هوش و نوش

۵۰ معمای شیرین

تست هوش استاندارد



مولف:

سعید مصیبی

بسمِ اَللّٰهِ اَلرَحمنِ اَلرَحيمِ

هوش و نوش

مولّف: سعید مصیّبی

سرشناسه	: مصیبی، سعید، ۱۳۷۴-
عنوان و نام پدیدآور	: هوش و نوش/ مولف سعید مصیبی.
مشخصات نشر	: تهران: موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۹۸ ص.: مصور، جدول.؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س‌م.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۱-۵۲۶-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
موضوع	: آزمون‌های هوش
موضوع	: Intelligence tests
موضوع	: معماها
موضوع	: Puzzles
رده بندی کنگره	: BF۴۳۱/۳
رده بندی دیویی	: ۱۵۳/۹۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۳۴۴۱۷

مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان

■ نام کتاب:	**هوش و نوش**
■ تألیف:	**سعید مصیبی**
■ ناشر:	آموزشی تألیفی ارشدان
■ ویرایش:	اول
■ نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۹
■ تصویرگر:	زهرا شهبازی
■ طراح و گرافیست:	www.irantypist.com
■ شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۲۵۱-۵۲۶-۳
■ شمارگان:	۱۰۰۰
■ مرکز خرید آنلاین:	www.arshadan.com www.arshadan.net
■ مرکز پخش و توزیع:	۰۲۱۴۷۶۲۵۵
■ قیمت:	۳۰۰۰۰ تومان

فهرست:

مقدمه ۳

معمّاها ۴

پاسخنامه ۵۷

تست هوش ۷۴

کلید تست ۹۶

مقدمه:

این کتاب کتابی است که می‌تواند هوش مخاطب را فعال و تقویت کند و او را سرگرم معمّاهای شیرین و داستان‌گونه سازد و از طرفی می‌تواند برای جلوگیری از آلزایمر مناسب باشد. درضمن یک تست هوش استاندارد برای سنجش هوش مخاطب طراحی کردم که ضریب هوشی خود را به دست آورد.

تعداد کتاب‌های معمّا و تست هوش، مخصوصاً کتاب‌های فارسی، خیلی کمتر از ژانرهای دیگر هستند و نیاز امروز جامعه‌ی ما می‌باشند تا از تکرار رهایی یابیم.

به امید جامعه‌ای شکوفاتر، کتاب‌خوان‌تر و متفکّرتر!

سعید مصیّبی

معمّاها

۱) تخفیف عجیب

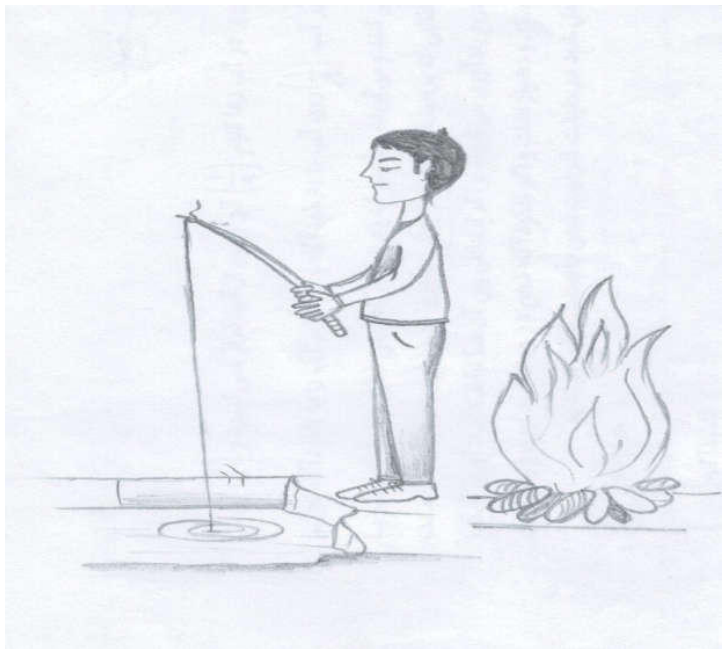
لباس‌فروشی تخفیف‌های عجیبی روی لباس‌هایش می‌گذاشت. او یک نوع شلوار لی را ۱۰ برابر قیمت خرید خود، قیمت گذاشته بود ولی آن را با سه تخفیف متوالی ۲۰، ۳۰ و ۵۰ درصدی می فروخت. بقیّه‌ی لباس ها نیز چنین تخفیف‌هایی داشتند. پس از گذشت یک سال در حالی که همه فکر می‌کردند لباس‌فروش به ورشکستکی کامل رسیده و باید مغازه‌اش را جمع کند، در کمال تعجّب او مغازه را فروخت و در جایی بهتر مغازه خرید. چگونه چنین چیزی ممکن است؟



۲) نجات از گرسنگی

فردی در پی سقوط هواپیما جان سالم به در برده ولی در قطب جنوب گیر افتاده است. این فرد توانسته است با تکّه چوب و تکّه طنابی یک قلّاب ماهی‌گیری درست کرده و یک ماهی بگیرد. او تنها وسیله‌ای که برای فراهم کردن آتش به همراه دارد، یک ذرّه بین است که به کلید خانه‌اش وصل بوده است. او با این ذرّه بین در ساعت ۱۰ صبح، توسّط نور خورشید یک آتش راه می‌اندازد تا ماهی‌اش را کباب کند.

حال این فرد، ۱۲ ساعت بعد برای خوردن شام و گرم نگه داشتن خود چگونه می‌تواند آتش درست کند؟



۳) شکار

یک شکارچی ۴ شیر را هدف گرفته است که روی یک تخته سنگ‌اند. اگر این شکارچی یکی از شیرها را مورد هدف قرار دهد و شیر بمیرد، چند شیر زنده، روی تخته سنگ باقی می‌ماند؟



۴) زمان سنج‌ها

سارا یک دانشجوی شیمی است. او برای محلول سازی، سانتریفیوژ و آزمایش‌های مختلف نیاز دارد تا زمان های ۱ تا ۵ دقیقه را اندازه بگیرد؛ ولی متأسفانه او تنها دو ساعت شنی که یکی زمان ۳ دقیقه و دیگری ۱۳ دقیقه را اندازه می‌گیرند، دراختیار دارد و هیچ نوع زمان سنج از قبیل ساعت، کرونومتر و... در دسترسش نیست. آیا می‌توانید سارا را درگرفتن زمان‌های لازم برای آزمایش‌هایش، راهنمایی کنید؟



۵) بازیابی ابعاد

یکی از شیشه‌های در خانواده ابراهیمی یک ماه پیش شکسته بود. حسین که پسر خانواده است، ابعاد شیشه را اندازه گرفته بود و آن را با مداد، در برگه‌ای نوشته بود. او ابعاد را در هم ضرب کرده و مساحت شیشه را نیز به دست آورده بود.

حالا پس از یک ماه که حسین برگه را پیدا کرده است تا آن را به شیشه بری ببرد، اعداد پاک شده بودند؛ امّا حسین یادش مانده بود که همه‌ی ارقام هم عددی اوّل بودند و هم یک عدد فرد. آیا می‌توانید حسین را حالا که به متر نیز دسترسی ندارد، کمک کنید تا ابعاد را بازیابی کند؟

❊ ❊

× ❊

❊ ❊ ❊

۶) دو عمو

دو نفر به سوپرمارکتی رفتند و مقداری جنس خریدند. در پایان خرید کردن وقتی می‌خواستند مبلغ جنس‌ها را پرداخت کنند، با هم تعارف می‌کردند.

اوّلی به دوّمی می‌گفت: عمو من حساب می‌کنم.

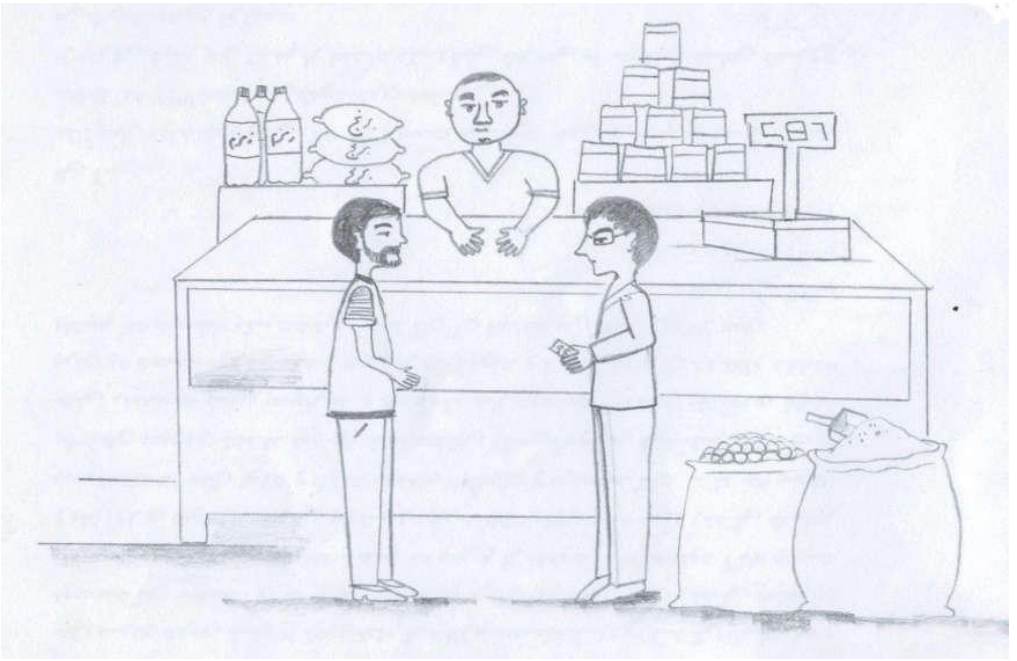
دوّمی به اوّلی می گفت: به خدا قسم نمی‌گذارم حساب کنی عمو جان.

فروشنده که از عمو گفتن هر دو به یکدیگر، متعجّب شده بود، پرسید: ببخشید شما با هم چه نسبتی دارید؟

اوّلی گفت: این آقا هم عموی من است و هم برادرزاده‌ام.

دوّمی گفت: این آقا هم همین طور؛ عمویم و برادرزاده‌ام است.

فروشنده که از شدّت تعجّب مات و مبهوت مانده بود، گفت: چطور چنین چیزی ممکن است؟ شما می دانید چطور؟



۷) بسته بندی پیراشکی‌ها

پیراشکی فروشی مجبور است به خاطر کمبود جا، پیراشکی‌هایش را بسته بندی کند. از طرفی او باید به مشتری هر تعدادی که او می‌خواهد پیراشکی بدهد. حال او چگونه ۳۷ عدد پیراشکی را

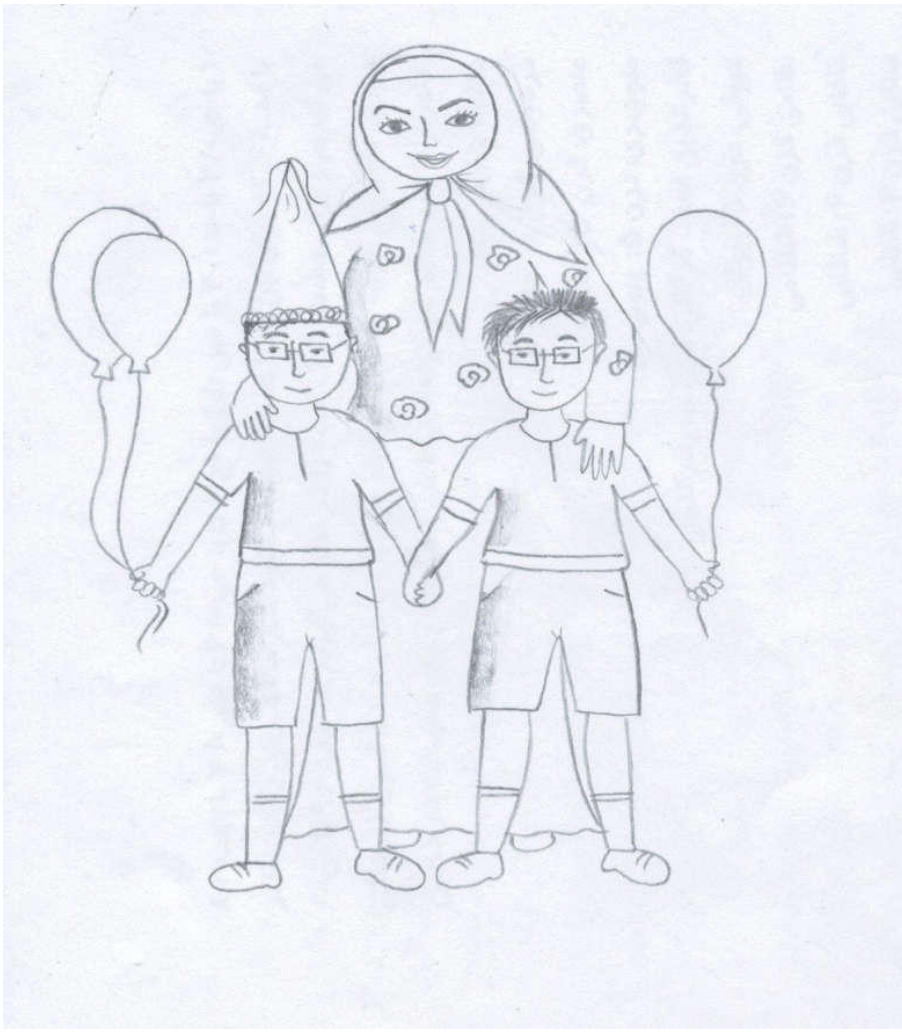
بسته بندی کند تا کمترین تعداد بسته به وجود آید و همچنین هر تعدادی که خریدار پیراشکی می‌خواهد به او بدهد؟



۸) تولّد دوقلو ها

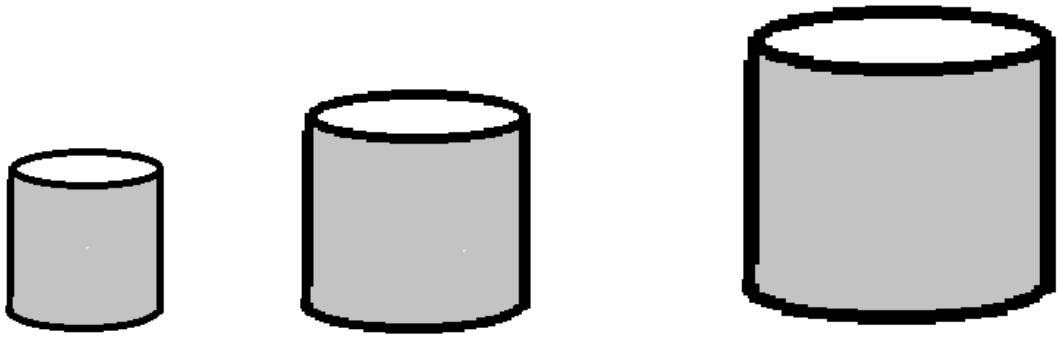
رامین و رامتین دو برادر دوقلو هستند. یک روز مادر این دو برادر به دوستش، محمّد زنگ می‌زند و او را برای تولّد دعوت می‌کند. محمّد به تولّد می‌آید و می‌بیند که روی کیک تولّد فقط نام رامین

نوشته شده و فقط روی سر او کلاه تولّد است. از مادرش می‌پرسد که مگر امروز تولّد رامتین نیست؟ مادرش می‌گوید: خیر. نه تنها امروز، بلکه تا یک ماه پیش و حتّی تا یک ماه بعد هم تولّد رامتین نیست. محمّد از این قضیه حیرت زده می‌شود. به نظر شما چرا تولّد رامتین نبوده است؟



۹) جرم ظروف

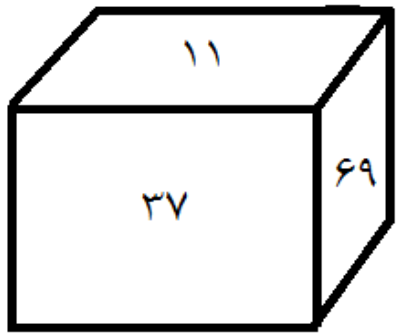
سه ظرف با حجم ناچیز داریم. ظرف A ۲۰۰ گرم، ظرف B ۵۰۰ گرم و ظرف C ۱ کیلوگرم وزن دارد. ۵۰۰ گرم خاک داریم. در هر ظرف به اندازه جرمش خاک جا می‌گیرد. دراین مجموعه بیشترین جرمی که هر یک از ظروف می‌توانند هر سه، هم زمان با هم داشته باشند چقدر است؟



A B C

۱۰) تاس عجیب

روی یک تاس عجیب اعداد ۱۱، ۱۷، ۳۷، ۴۲، ۶۹ و ۷۷ نوشته شده است. کمترین تعدادی که لازم است تا تاس را بیندازیم و مجموع اعداد روی تاس ۱۰۰ شود، چند بار است؟



۱۱) معمّای قتل ۱

صبح هنگام خدمتکار خانم حسینی صبحانه‌ی او را آماده کرده و به اتاقش آورد؛ ولی ناگهان صدای جیغش خانه را پر کرد. خانم حسینی غرق خون بود و گلوله‌ای به شقیقه‌اش اصابت کرده بود و

درجا کشته شده بود. کنار او اسلحه‌ای مجهز به صدا خفه کن افتاده بود و اتاق نامرتّب بود.

با بررسی های انجام شده، خانم حسینی در ساعت ۲۴ بامداد فوت کرده است. کاراگاه تقوی همه‌ی حاظرین در خانه را احظار کرد. بازجویی ها به این صورت بود:

۱- خدمتکار: من دیشب خواب بودم و متوجّه چیزی نشدم.

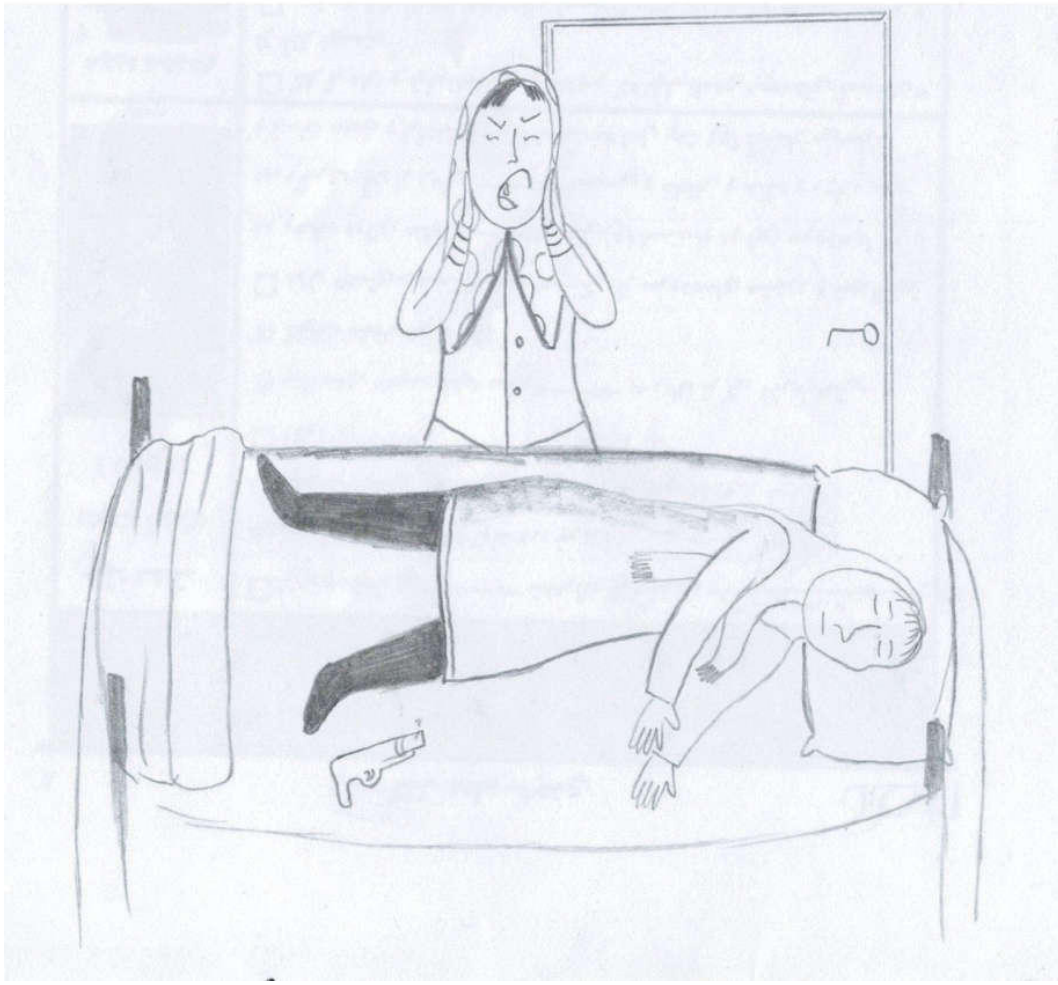
۲- راننده: من دیشب با شنیدن صدا از اتاقم بیرون آمدم ولی کسی را ندیدم.

۳- آشپز: او اخیراً خیلی افسرده بود. حتماً خودکشی کرده؛ اسلحه هم که کنارش پیدا شده است.

۴- نگهبان: فکر نمی‌کنم قاتل دراین خانه باشد. حتماً از دیوارهای کناری داخل رفته است.

۵- باغبان: من دیشب بد خواب شدم و از ساعت ۲۳:۵۰ تا ۰۰:۱۰ در باغ قدم زدم ولی صدایی نشنیدم و کسی را ندیدم.

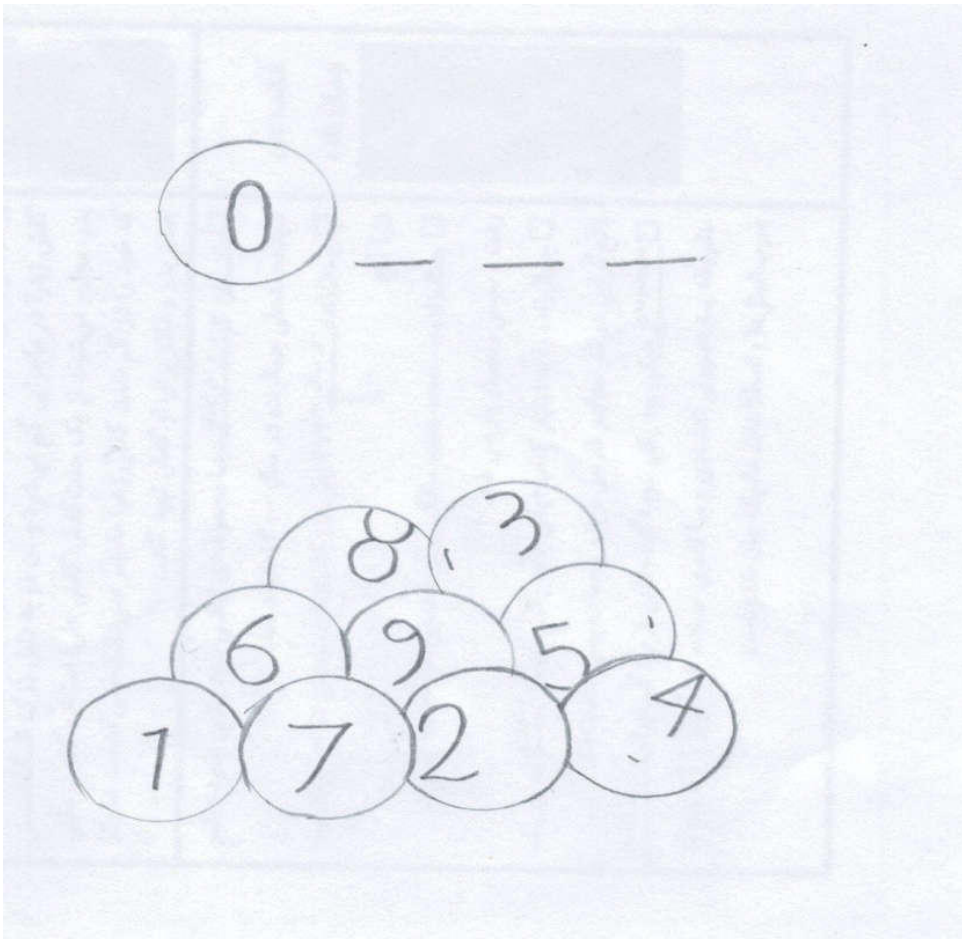
حال می توانید بگویید که خانم حسینی خودکشی کرده و یا به قتل رسیده است و اگر کشته شده، چه کسی او را کشته است؟



۱۲) مسابقه پیامکی

در یک قرعه‌کشی ۱۲۷۹ نفر شرکت کرده‌اند. این قرعه‌کشی با توپ‌های دارای شماره از ۰ تا ۹ انجام می‌شود و باید ۴ عدد از سبد بیرون بیاید، اگر رقم هزارگان صفر باشد، عدد سه رقمی می‌شود و به این صورت احتمال اینکه عدد، یک یا دو رقمی باشد نیز وجود دارد .

برای هر رقم این عدد یک سبد وجود دارد که که مثلاً در سبد اوّل که مربوط به هزارگان عدد است فقط ۰ و ۱ است و بقیّه نیز به همین ترتیب. متصدّی این قرعه‌کشی که فردی متقلّب است، می‌خواهد جایزه‌ی قرعه‌کشی به فردی که مدّ نظر اوست برسد. او به شماره‌ی قرعه‌کشی هر فرد دسترسی دارد و می‌تواند از روی شماره تلفن آن را پیدا کند، او همچنین می‌تواند توپ ها را دست کاری کند. او بالاخره موفّق می‌شود تا قرعه را به نام فرد مورد نظر خود دربیاورد. می‌توانید بگویید چگونه؟


0
8
3
6
9
5
1
7
2
4

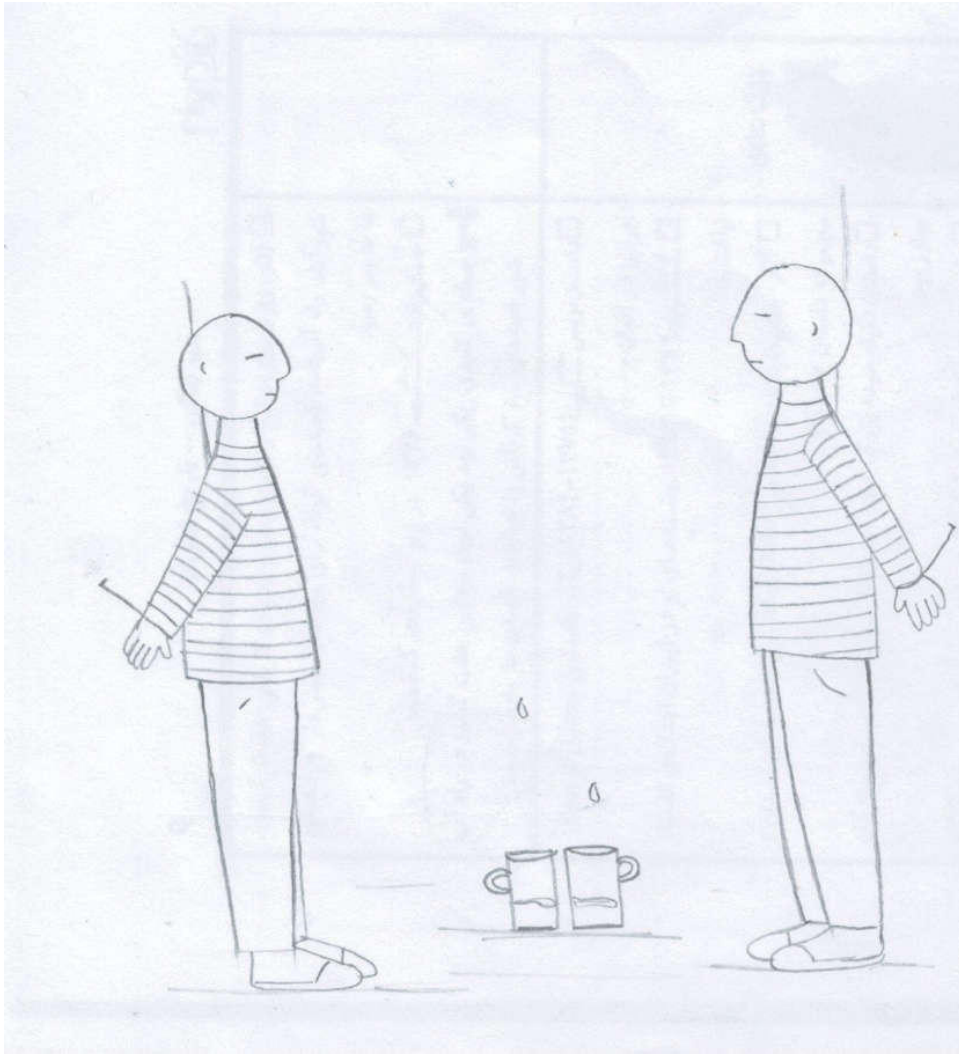
۱۳) لیوان های آب

در یکی از زندان‌های آمریکا، دو زندانی سیاسی را به دیوار زنجیر کرده‌اند. به طوری که رو به روی هم و به دو دیوار مقابل بسته شده‌اند. این دو زندانی موقتاً حق ندارند غذا بخورند یا آب بنوشند.

هر سلول دارای جعبه‌ی کمک‌های اوّلیه است که در آن بتادین، قرص، چسب زخم، پنبه و قیچی است. در وسط سلول جایی که دست هیچ کدام از دو زندانی به آن نمی‌رسد، دو لیوان کاغذی از سری قبل سرو غذا، به جا مانده است که در اثر بارش باران و چکه کردن از سقف پر شده است؛ ولی در اثر خیس شدن، به زمین چسبیده‌اند. این آب در شرایط اجبار قابل آشامیدن است.

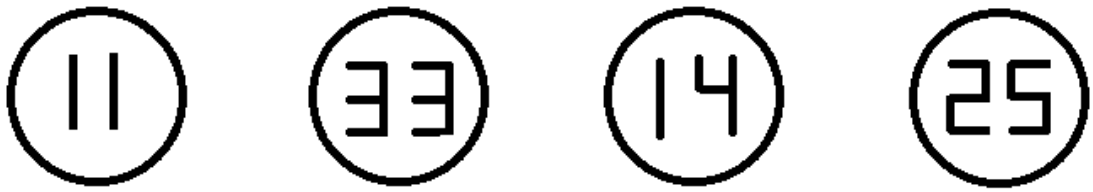
زندان‌بان که زندانی‌ها را شدیداً تشنه می‌بیند، دلش به حال آن‌ها می‌سوزد و می‌خواهد مقداری هر چند ناچیز به آن‌ها آب بدهد. دو لیوان پلاستیکی نیز در زندان مانده است. زندان‌بان سعی می‌کند که یکی از لیوان های کاغذی پر از آب را از زمین برداشته و

زندانی‌ها را سیراب کند ولی لیوان که به زمین چسبیده است، پاره می‌شود و یک لیوان آب هدر می‌رود. طبیعتاً زندان‌بان نمی‌تواند داخل سلول آب بیاورد؛ چون مسؤلان زندان او را می‌بینند. حال بگویید زندان‌بان چگونه می‌تواند بدون این که وسیله‌ای به داخل سلول بیاورد و بقیّه شک کنند؛ زندانیان را از تشنگی نجات دهد؟



۱۴) بازی با توپ‌ها

در یک بازی به شرکت کننده چهار توپ داده می‌شود تا با استفاده از اعداد دو رقمی روی این توپ‌ها یک بازی انجام دهد. شرکت کننده باید به نحوی اعداد روی سه توپ را با هم جمع کند که مجموع آن، بر عدد چهارم بخش پذیر باشد. چه ترفندی برای این بازی پیشنهاد می‌کنید؟

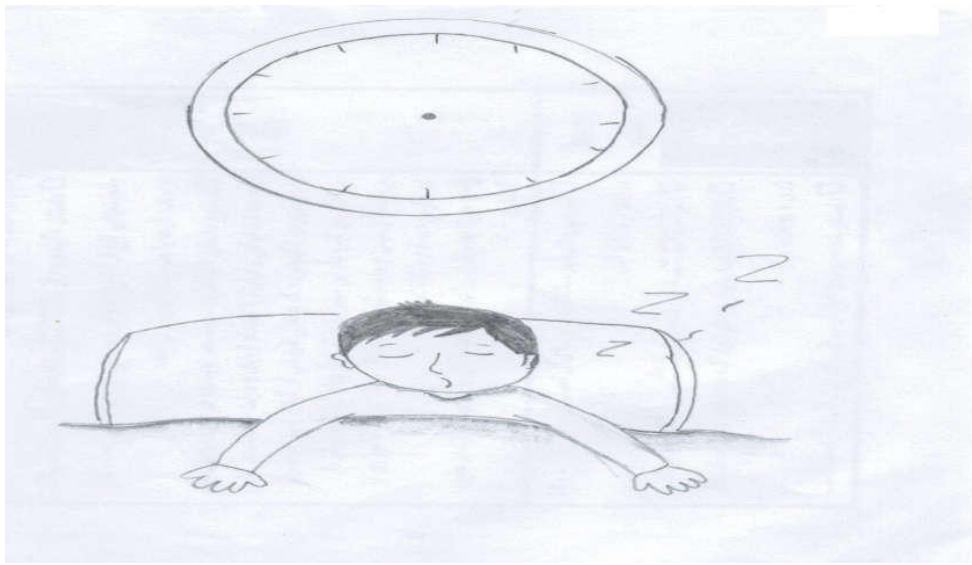


۱۵) ساعت چند است؟

شبی علی که بیمار بود بعد از خوردن شام به رختخواب رفت. او بامداد هنگام، از خواب پرید و گفت: قرص‌هایم... قرص‌هایم را

نخوردم. او از برادرش محسن که بیدار بود پرسید: ساعت چند است؟

محسن که می‌خواست علی را اذیّت کند، گفت: زاویه‌ای که عقربه ساعت شمار با ساعت ۱۲ می‌سازد، هنوز به ۳۰ درجه هم نرسیده است. علی که توان بلند شدن از جایش را نداشت، گفت: محسن اذیّت نکن! ساعت چند است؟ محسن دوباره با بازیگوشی گفت: زاویه‌ای که عقربه‌ی دقیقه شمار با ساعت ۱۲ می‌سازد، سه برابر زاویه‌ای است که عقربه‌ی ساعت شمار با ساعت ۱۲ می‌سازد. علی بعد از چند دقیقه گفت: فهمیدم ساعت چند است. قرص‌هایم را بده محسن! به نظر شما ساعت دقیقاً چند بوده است؟



۱۶) کاپیتان کیست؟

در یک تیم فوتبال، ملاک برای کاپیتانی، سابقه و البتّه سن است. ۵ نفر از مسن ترین بازیکنان را جمع کرده‌ایم و اطّلاعات زیر راجع به آن‌ها دردست است:

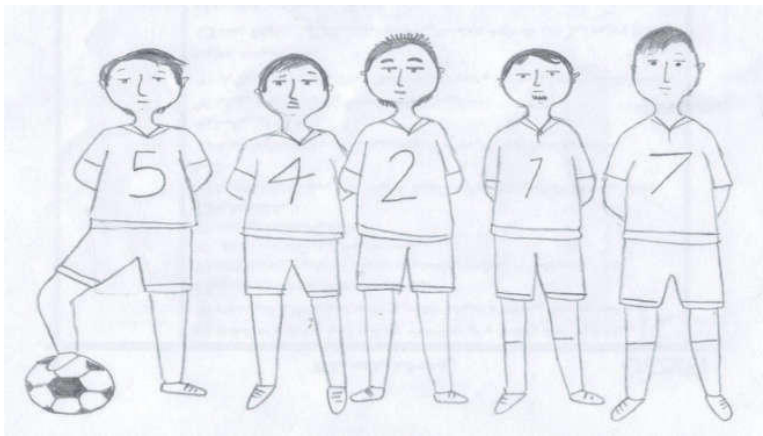
۱- علیرضا از جلال کوچک‌تر است.

۲- اشکان از مسعود بزرگ‌تر است.

۳- مهدی از جلال بزرگ‌تر است.

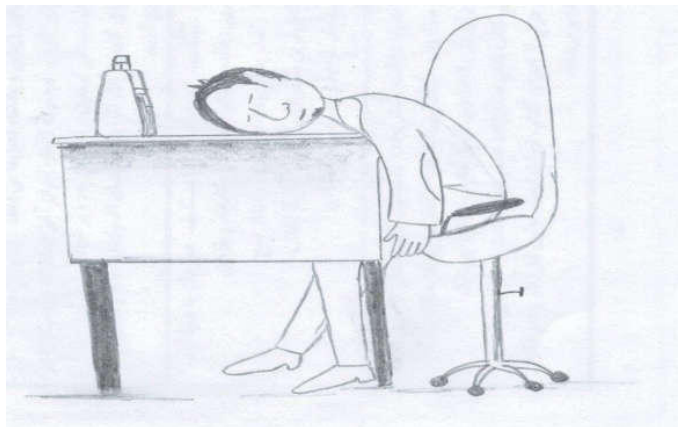
۴- اشکان از مهدی کوچک‌تر است.

حال به نظر شما کاپیتان چه کسی است؟



۱۷) معمّای قتل ۲

صبح روز یکشنبه آقای مهدوی در مدرسه به قتل رسید. او دبیر دفاعی مدرسه بود. بازپرس پرونده طی بازجویی‌هایش از کارکنان مدرسه با سؤال از آقای هاشمی، دبیر زبان، این پاسخ را شنید: دقیقاً یک ماه قبل، دیدم که آقای حسینی، نگهبان مدرسه، از اتاق آقای مهدوی بیرون آمد. وقتی به اتاقش رفتم دیدم عرق سرد روی پیشانی او نشسته و رنگش مثل گچ شده است. فکر می‌کنم نگهبان مدرسه او را تهدید به مرگ کرده بود. چون برادر آقای مهدوی پلیس است. احتمالاً مجرمی که نسبتی با آقای حسینی داشته، توسّط برادر آقای مهدوی به سزای اعمال خود رسیده است. بازپرس بعد از بازجویی‌ها، بلافاصله قاتل را دستگیر کرد. به نظر شما قاتل چه کسی است؟



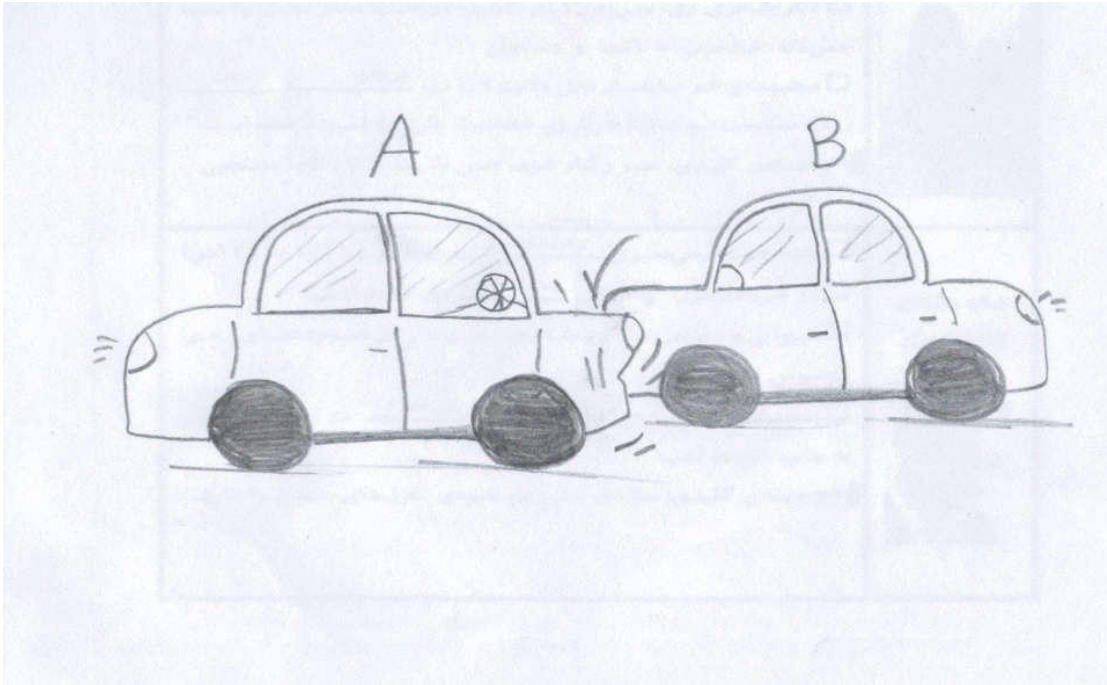
۱۸) پیدا شدن فرزند

سال‌ها پیش دختر آقای هدایتی وقتی نوزاد بود، گم می‌شود. آقای هدایتی بعد از سال‌ها به دنبال فرزندش می‌گردد. بعد از چند وقت فردی به دفتر فروش آقای هدایتی می‌آید؛ با منشی صحبت می‌کند و ادّعا می‌کند که فرزند آقای هدایتی است. او می‌گوید: نام من عزّت است و فعلاً در قصّابی کار می‌کنم. منشی به اتاق آقای هدایتی می‌آید و ماجرای او را تعریف می‌کند. آقای هدایتی به منشی می‌گوید: دست به سرش کن برود. دروغ می گوید! آیا آقای هدایتی لزوماً درست فکر می‌کرده است؟



۱۹) سرعت خودروها

دو خودروی A و B از رو به رو و به اصطلاح شاخ به شاخ با هم تصادف می‌کنند. این دو خودرو سرعت‌های یکسانی داشتند. خودروی C نیز با تیر برق تصادف می‌کند. میزان خرابی و نیروی وارد شده به دو خودروی A و C برابر است. اگر نوع خودروهای A و C یکی باشد، سرعت خودروی C چند برابر خودروی B بوده است؟



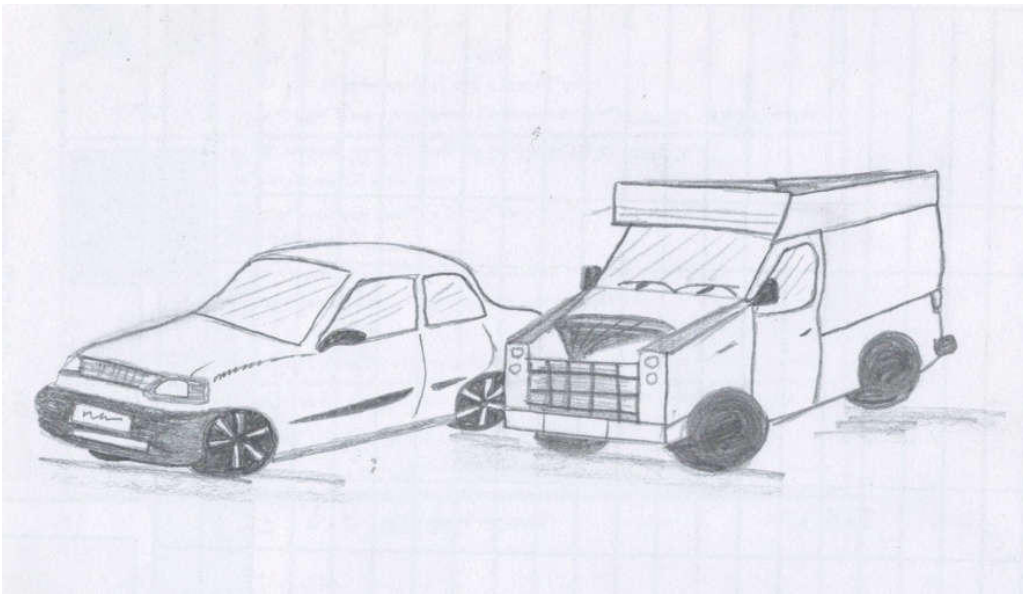
۲۰) تست نیروی موتور

در یک تست نیروی موتور، خودروهای مختلف را با زنجیر محکم به هم می‌بندند تا ببینند کدام خودرو نیروی بیشتری دارد. تست‌ها به این صورت بودند:

۱- سه تندر ۹۰، با دو نیسان نیروی برابر دارند.

۲- دو پراید با یک نیسان نیروی برابر دارند.

حال می‌توانید بگویید که اگر سه پراید را به دو تندر ۹۰ وصل کنیم، کدام طرف، سمت دیگر را به طرف خود می‌کشد؟



۲۱) سنّ پسران

دو خانم همسایه بیرون در، با هم صحبت می‌کردند:

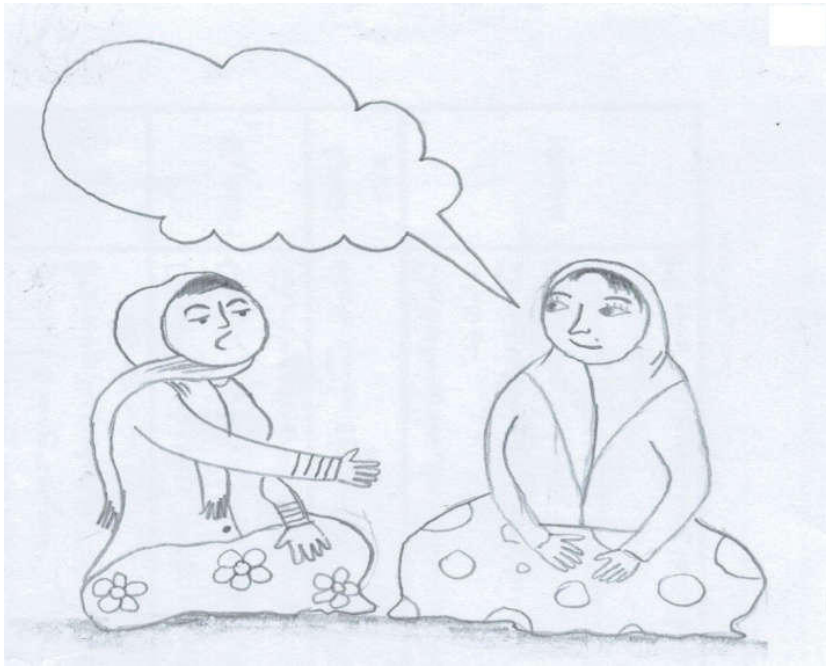
اعظم خانم: وای فریده خانم پری‌روز پسر بزرگ‌ترم رفته بودش برای ماشینمون لوازم یدکی بخره؛ زنگ زد به گوشی باباش که بپرسه چی بخره. باباش گوشیشو جا گذاشته بود تو خونه؛ منم رفته بودم بیرون. پسر وسطیم هم که دستشویی بود. اومدم خونه دیدم پسر کوچیکم از خواب پریده. بچه انقدر گریه کرده بود نفسش بند اومده بود.

فریده خانم: بچه رو تنهایی میذاری تو خونه؟ اعظم جون گناه داره. راستی پسرات هر کدوم چند سالشونه؟

اعظم خانم: اگر سنّ هر سه تا شونو در هم ضرب کنی ۶۴ میشه!

فریده خانم این طوری که نمیشه!

آیا شما می‌توانید سنّ هر کدام از این سه پسر را به دست آورید؟

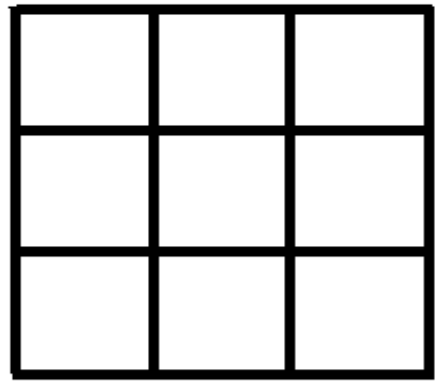


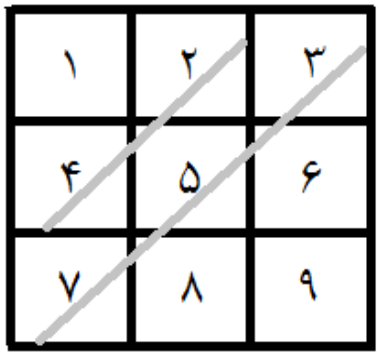
۲۲) چیدن کارت‌ها

روی ۹ کارت اعداد اوّل یک رقمی (۷ و ۵ و ۳ و ۲) را نوشته‌ایم. به این صورت که چهار کارت دارای شماره ۷، دو کارت دارای شماره ۵، دو کارت دارای شماره ۲ و یک کارت دارای شماره ۳ می‌باشد.

آیا می‌توانید این کارت‌ها را در یک جدول ۳×۳ بچینید به طوری که هیچ دو رقمی، در هر سطر و ستون تکراری نبوده و همچنین اعداد به

طور مورّب در جدول تکراری نباشد؛ یعنی اگر جدول زیر را در نظر بگیریم، اعداد خانه های ۲ و ۴، اعداد خانه های ۷ و ۵ و ۳ و اعداد هر ردیف مورب دیگر یکسان نباشند.





۲۳) قهر یا آشتی

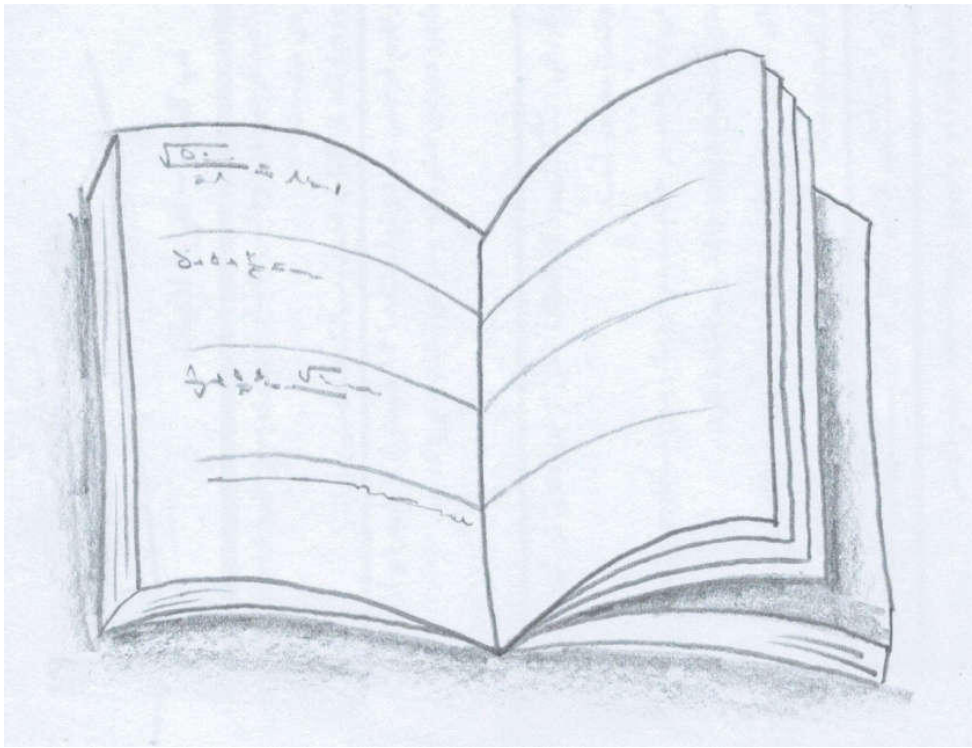
در یک میهمانی چند نفر به هم سلام می‌کنند و مجموعاً ۸۰ سلام شنیده می‌شود، حداقل چند نفر از میهمانان با همدیگر قهر بودند که به هم سلام نکرده‌اند؟



۲۴) از دست دادن صفحات

علی سؤالات ریاضی خود را در دفتری که آن را شماره گذاری کرده بود نوشته است. این دفتر ۵۰ صفحه دارد و در هر صفحه ۴ سؤال نوشته شده است. حسین برادر کوچک‌تر علی دفترش را خراب می‌کند

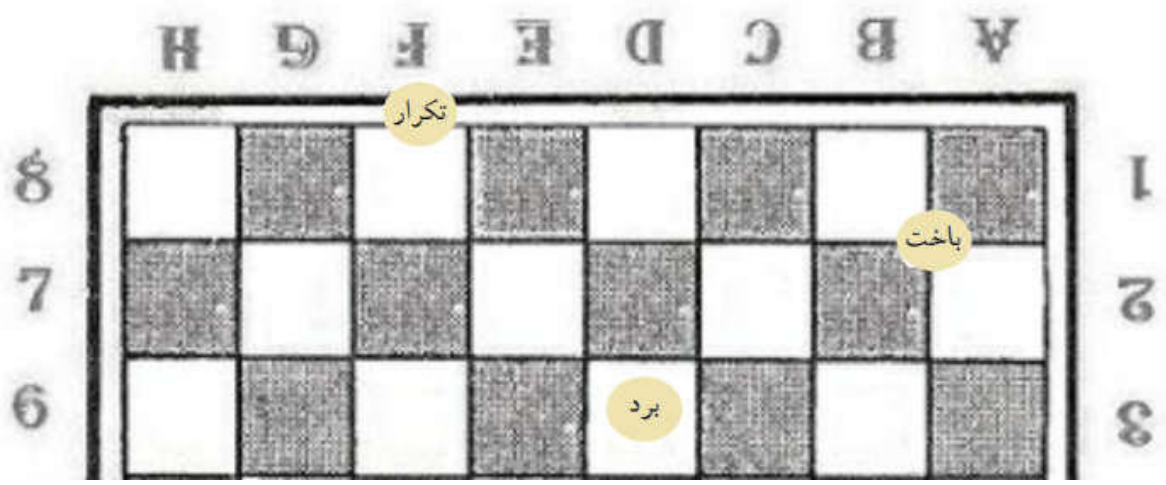
و علی صفحات ۲۲ و ۲۳ و همچنین ۳۵ و ۳۶ دفترش را از دست می‌دهد. حالا او چند سؤال را از دست داده است؟



۲۵) شانس برابر

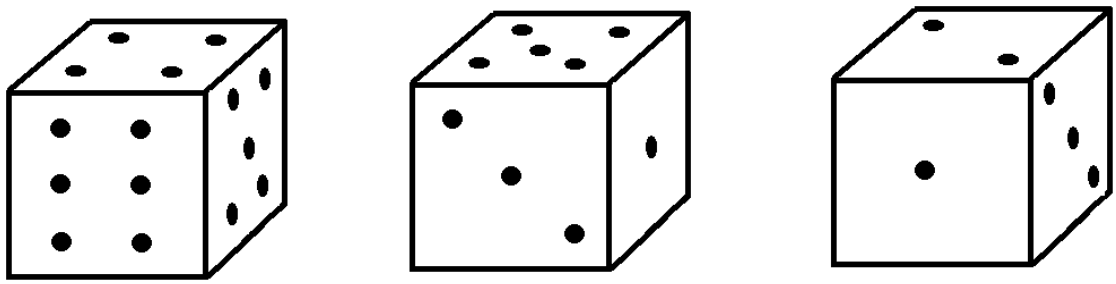
در یک مسابقه، سکّه‌ای به شما داده می‌شود تا از کنار، روی صفحه‌ی شطرنجی بغلطانید. اگر سکّه روی خطوط مربّع‌ها قرار گیرد، شما یک سکّه می‌بازید ولی اگر سکّه درون یک مربّع قرار گیرد، یک سکّه جایزه

می‌گیرید. اگر طول ضلع هر مربّع شطرنج ۱ سانتی‌متر باشد، قطر سکّه چقدر باید باشد تا بازی منصفانه و شانس برد یا باخت برابر باشد؟



۲۶) وجه دیگر تاس

در شکل زیر سه نمای مختلف از یک تاس مشخص است. عدد روی وجه رو به روی عدد ۲، در نمای سوّم چیست؟



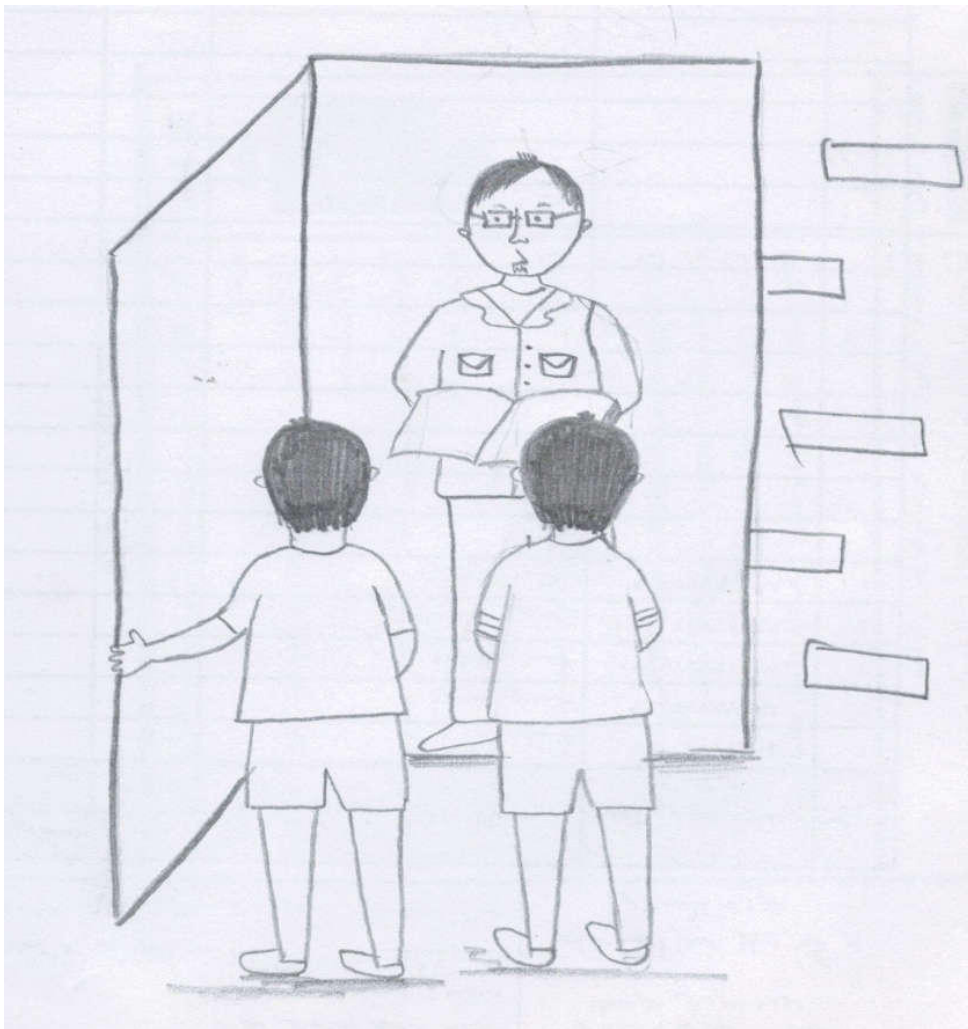
۱ ۲ ۳

۲۷) برادرها

مأمور آمار درب منزلی را می‌زند. دو پسر در را باز می‌کنند. مأمور از آن‌ها می‌پرسد که چه نسبتی با همدیگر دارید؟ آن‌ها می‌گویند با هم برادریم. سپس تاریخ تولّد آن‌ها را می‌پرسد. هر دو می‌گویند که در

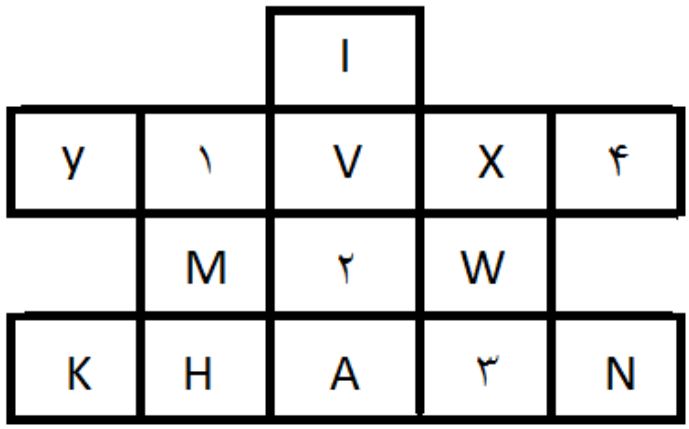
یک روز، یک ماه و یک سال به دنیا آمده‌اند و تاریخ تولّدشان یکی است. مأمور آمار می‌گوید: پس حتماً دوقلو هستید. می‌گویند: خیر.

می‌پرسد: سه یا چند قلو هستید؟ می‌گویند: خیر. مأمورکه از جواب آن‌ها شگفت زده شده بود، بعد از دقایقی فکر کردن فهمید که چگونه این امر ممکن است. شما می‌توانید بگویید چگونه؟



۲۸) رمز جدول چیست؟

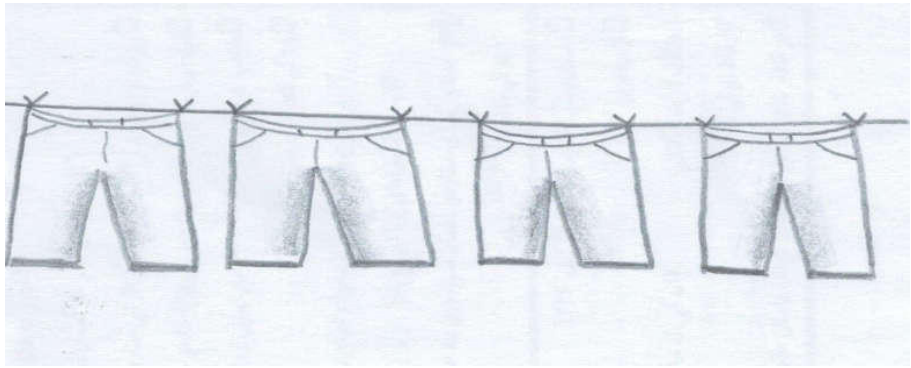
در جدول زیر ارتباط منطقی بین حروف وجود دارد. به جای اعداد در جدول، حروف مناسب قرار دهید و رمز جدول را پیدا کنید.



۲۹) زمان شست و شو

شستن ۴ شلوار مشابه با دست، به طور مجزا از هم، ۳۰ دقیقه طول می‌کشد. در صورتی که زمان شست و شو با ماشین لباس‌شویی سه

برابر زمان شست و شو با دست باشد، شستن ۳ شلوار از همان نوع در ماشین لباس‌شویی، چند دقیقه طول می‌کشد؟



۳۰) پخت کیک

۳ آشپز در مدّت ۳ ساعت، ۳ کیک را می‌پزند. ۴ آشپز در مدّت ۴ ساعت، چند کیک می‌پزند؟



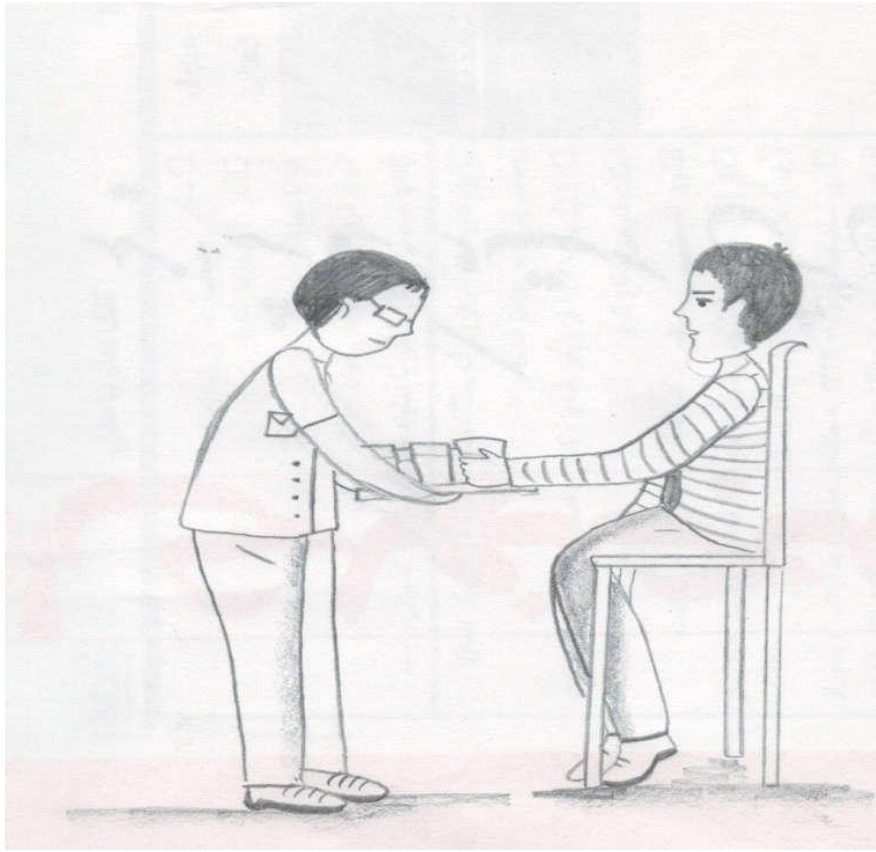
۳۱) ساعت

نیما بعد از خوردن نهار به حمام رفت. پس از دقایقی از مهلا، خواهر کوچک‌ترش پرسید: ساعت چند است. او که رو به روی آیینه داشت موهایش را شانه می‌کرد، برنگشت و ساعت را از درون آیینه دید و به نیما گفت. برادر بزرگ‌تر نیما ساعت را دید و گفت: مهلا ساعت را ۲ ساعت و ۱۰ دقیقه جلوتر به تو گفته است. آیا می‌دانید ساعت دقیقاً چند بوده است؟



۳۲) مرگ مشکوک

در یک میهمانی بعد از صرف شام، میزبان به میهمانان چای و نبات داد. محمّد که عجله داشت، بلافاصله بعد از گرفتن چای و نبات، چای را نوشید و از بقیّه خداحافظی کرد و رفت. فردای آن روز محمّد خبر دار شد که تمام کسانی که در میهمانی دیشب بوده‌اند به جز خودش دچار مرگ ناگهانی شده اند! چه اتّفاقی رخ داده است؟



۳۳) برد قاطع

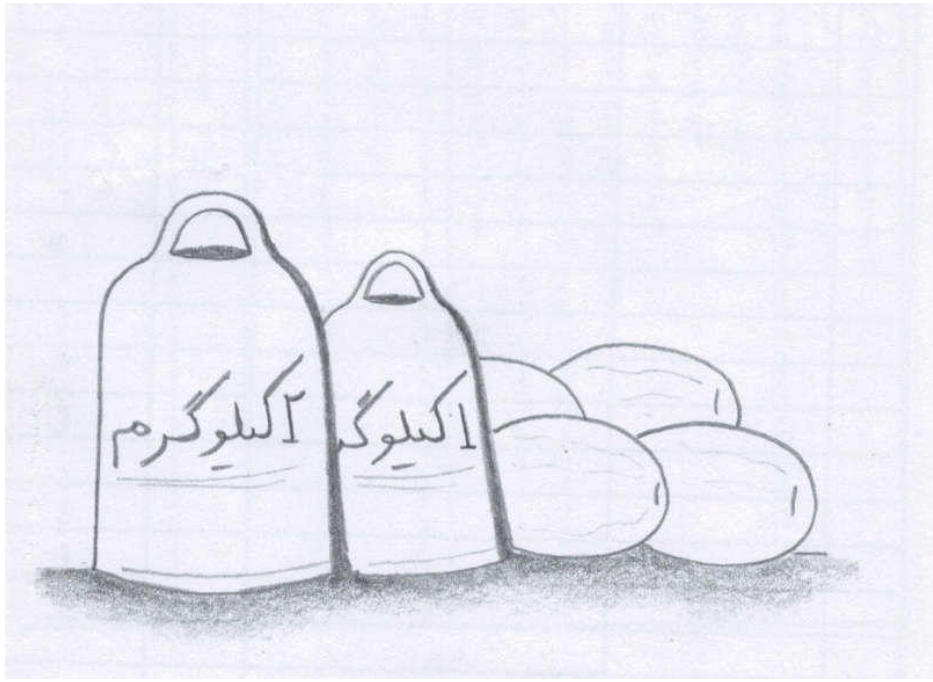
در شکل زیر صفحه ای دارای ۱۸ خانه را می‌بینید. این یک بازی است که طی آن، هر نفر به نوبت یک بار تاس را پرتاب می‌کند؛ اگر عدد روی تاس ۶ بیاید به عنوان جایزه، دوباره تاس را پرتاب می‌کند. هر نفر به اندازه عدد ظاهر شده روی تاس، مهره‌اش را جلو می‌برد.

آیا می‌توانید بگویید که شما حداقل چند بار باید بازی کنید، تا حتماً یک بار شانس این که سریع‌ترین و قاطع‌ترین برد برایتان اتّفاق بیفتد، وجود داشته باشد؟

۱	۲	۳	۴	۵	۶
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸

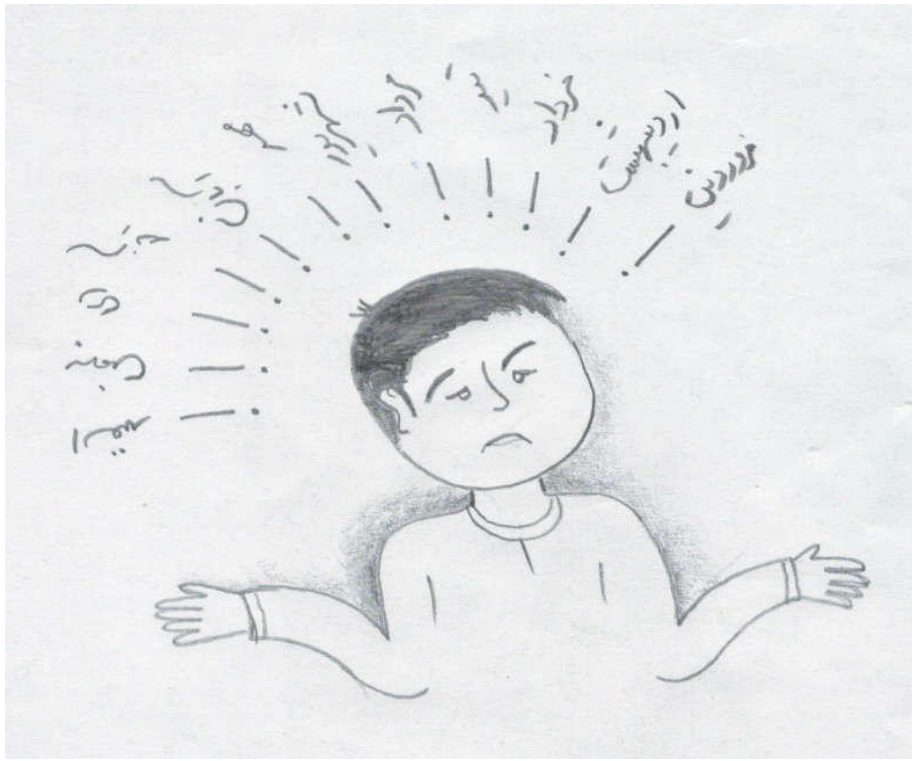
۳۴) خرید وزنه

یک طالبی فروش، طالبی‌هایی زیر ۳/۷ کیلوگرم می‌فروشد. او یک ترازوی دوکفه‌ای و دو وزنه‌ی ۱ و ۲ کیلوگرمی دارد. حالا او می‌خواهد فقط یک وزنه بخرد، به طوری که کارآمدترین وزنه باشد و بتوان بیشترین تعداد جرم ممکن را با آن اندازه گرفت. حالا شما بگویید که او باید وزنه ای با چه جرمی بخرد؟



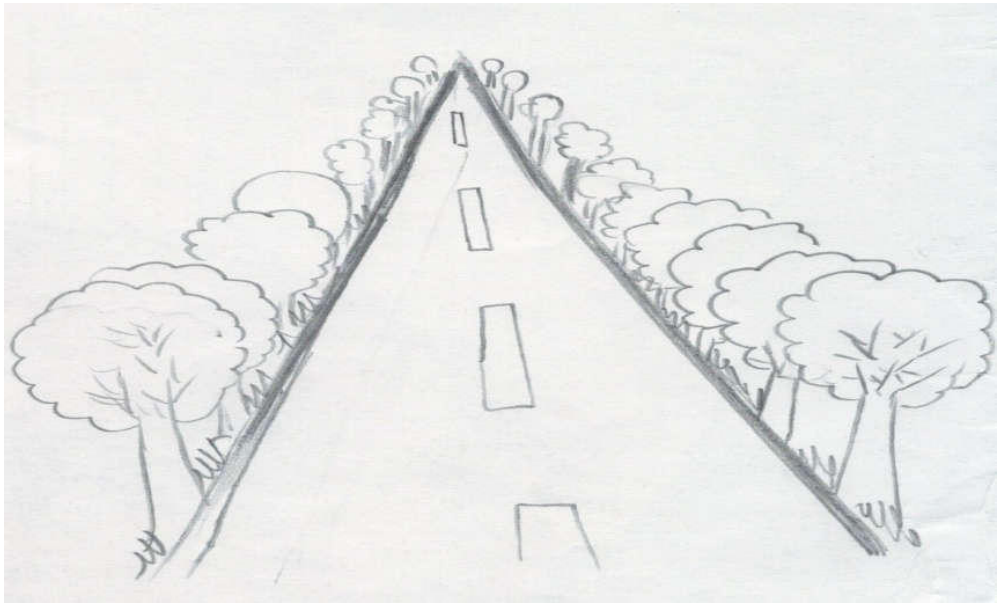
۳۵) تولّد آقای نوری

در روز سوّم فروردین ماه از آقای نوری سؤال کردند که تولّدش چه تاریخی است؟ او پاسخ جالبی داد! آقای نوری گفت: اگر دو ماه پیش، ماه آینده بود؛ امروز تولّد من می‌شد. تولّد او در چه تاریخی است؟



۳۶) فاصله درخت‌ها

۸۴ درخت به تعداد برابر در دو طرف یک خیابان کاشته شده‌اند که هر کدام ۱ متر با هم فاصله دارند. درخت وسط از سمت چپ با درخت اوّل از سمت راست، چه قدر فاصله دارد؟

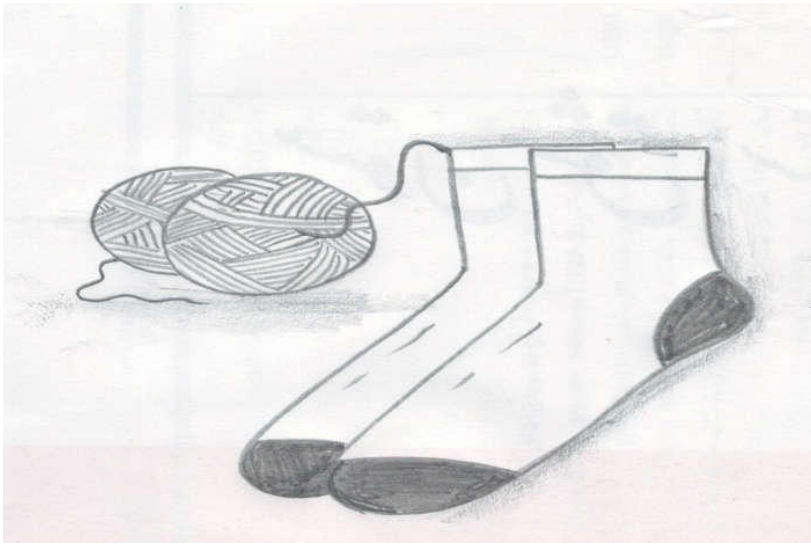


۳۷) یک جفت جوراب

شما بارها از مادر و عمّه‌ی خود درخواست کرده‌اید، که با فرا رسیدن زمستان یک جفت جوراب بافتنی برایتان ببافند؛ امّا مادرتان هر بار

بعد از بافتن جوراب با اصرار برادر کوچک‌ترتان، آن را به او می‌دهد. عمّه‌ی دلسوزتان نیز هر بار مجبور می‌شود جوراب بافته شده را به پسر عمّه‌یتان که کار سختی دارد بدهد.

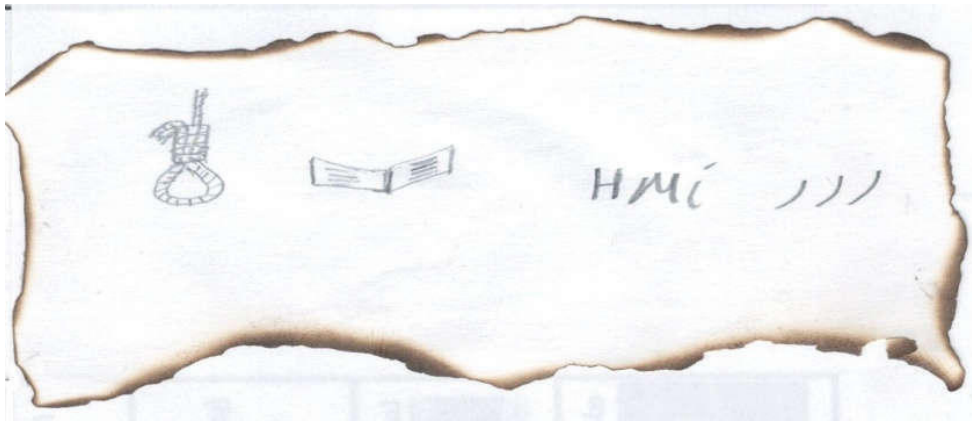
آیا می‌توانید تاکتیکی اتخاذ کنید که حداقل یک بار یک جفت جوراب عایدتان شود؟



۳۸) معمّای قتل ۳

آقای هشمتی پشت میز کار خود به قتل می‌رسد. او رئیس دفتر یک اداره است. پس از بررسی پلیس، روی میز کار او میان برگه‌های

سوزانده شده، یک برگه پیدا شد که در شکل زیر مشخص است. با توجّه به این که او نمی‌توانسته وقتی قاتل در اتاقش بوده به طور واضح نام او را بنویسد، روی این برگه علامت هایی کشیده است. حال به نظر شما قاتل چه کسی است؟



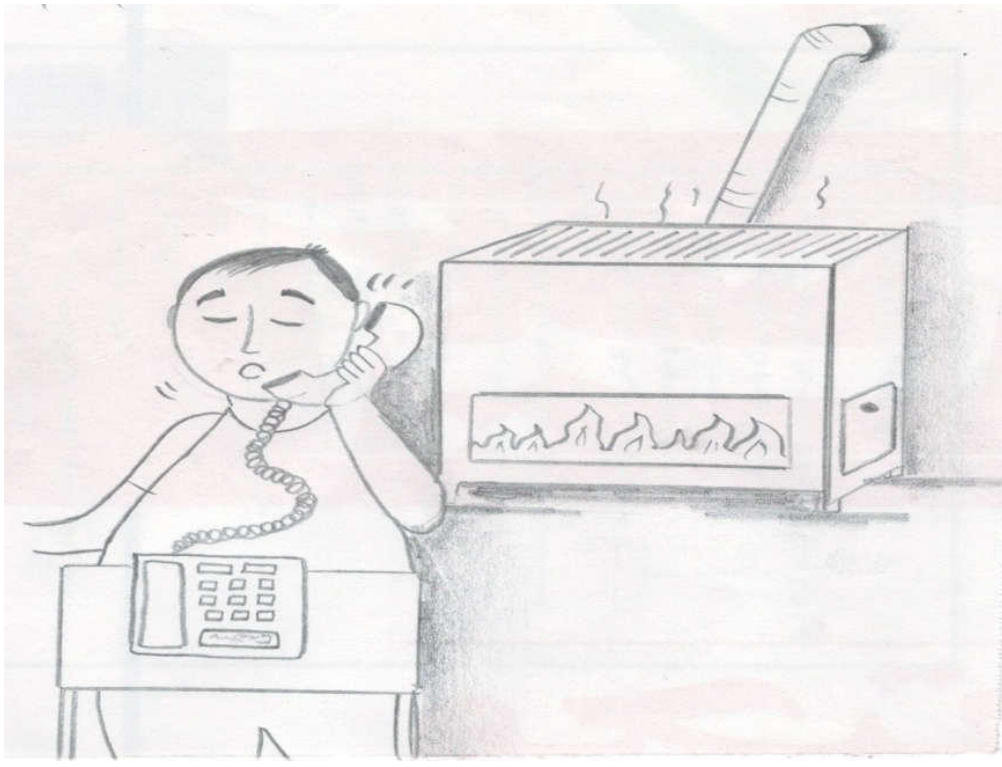
۳۹) معمّای قتل ۴

در یک شب سرد زمستانی، مردی با پلیس تماس گرفته و می‌گوید همسرش بر اثر گازگرفتگی فوت کرده است. سرگرد معتضدی با حاظر شدن در محل حادثه، دید لوله بخاری از جایش درآمده و بخاری خاموش است.

سرگرد از مرد، در حالی که به بخاری تکیّه داده بود، پرسید: همسرت در اثر گاز گرفتگی مرده است؟

او با گریه جواب داد: بله سرگرد. وقتی به خانه رسیدم بخاری تا آخر زیاد بود. همسرم را از خانه بیرون آوردم و یک دقیقه پیش بخاری را خاموش کردم.

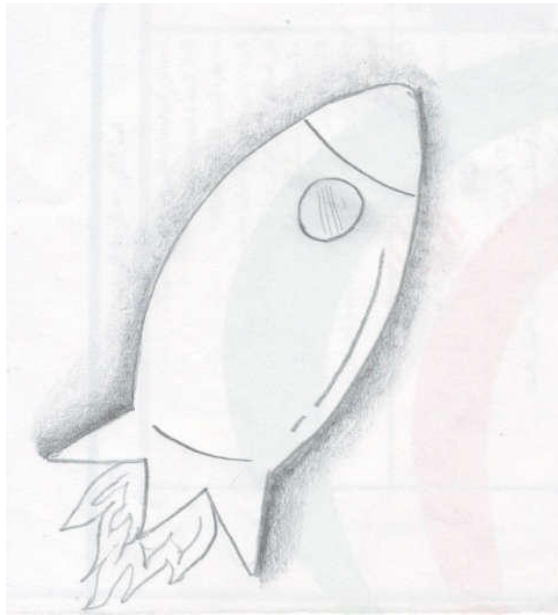
سرگرد معتضدی بلافاصله دستور داد تا مرد را به عنوان مضنون به قتل دستگیر کنند. به نظر شما چرا؟



۴۰) مشکل جیمی با همسرش

خانمی با همسرش مشکل داشت و می‌خواست از او جدا شود. همسر این خانم فضانورد بود. روزی دوست و همکار همسرش نزد خانم آمد و از او خواهش کرد که از شوهرش جدا نشود. او گفت: جیمی عاشق شماست. او همیشه در فضاپیما وقتی عکس شما را می‌بیند اشک از گونه‌هایش جاری می‌شود. من اطمینان دارم او به شما علاقه دارد و برای شما می‌میرد.

همسر جیمی با شنیدن سخنان همکار وی به او گفت: دروغ نگو و این بحث را تمام کن! چرا او این حرف را زد؟



۴۱) دویدن دو دوست

دو دوست بازیگوش شروع به دویدن کردند. یکی از آن‌ها به سمت شرق جغرافیایی و دیگری به سمت غرب جغرافیایی شروع به حرکت کردند. پس از دقایقی این دو از کنار یکدیگر عبور کردند؛ در صورتی که در مسیر مستقیم حرکت می‌کردند و تغییر جهت نیز ندادند!

چطور چنین چیزی ممکن است؟

۴۲) عدد سه رقمی

یک عدد سه رقمی با ارقام متفاوت را اگر رو به روی آیینه بگیریم و از تصویر آن در آیینه عکس گرفته و عکس را ۱۸۰ درجه چرخانده و وارونه کنیم، عدد متوالی بعد از آن حاصل می‌شود. این عدد سه رقمی چیست؟

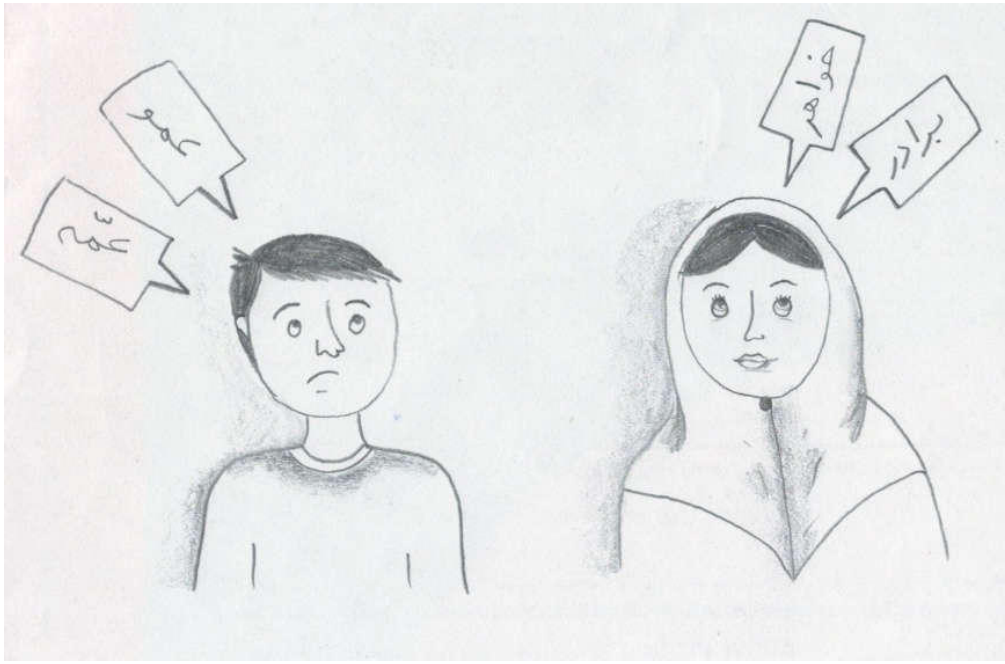
۴۳) تسلّط به زبان

از میان ۸۷ استاد، ۲۷ نفر به زبان انگلیسی و ۳۶ نفر به زبان آلمانی مسلّط هستند. چند نفر به هیچ زبانی تسلّط ندارند؟

۴۴) تعداد عمّه‌ها و عموها

از سجّاد پرسیدند: چند عمّه و عمو داری؟ گفت: تعداد عمّه‌هایم سه برابر عموهایم است. از عمّه‌ی او پرسیدند: چند برادر و خواهر داری؟

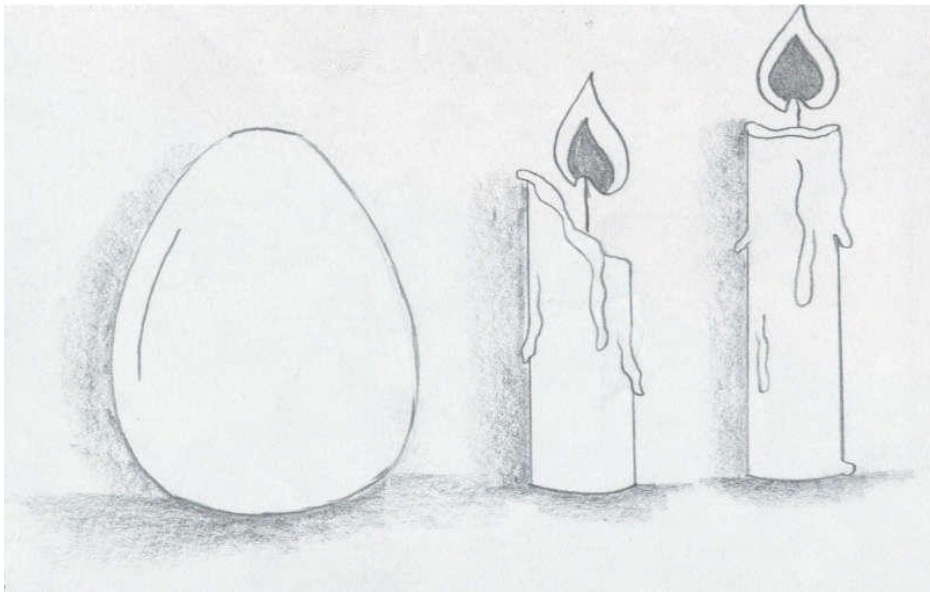
گفت: تعداد برادرها و خواهرهایم مساوی است. حالا سجّاد چند عمّه و عمو دارد؟



۴۵) زمان پخت

تجربه‌ی یک خانم خانه‌دار نشان می‌دهد که مناسب‌ترین زمان پخت برای این که یک تخم مرغ عسلی خوشمزه و ایده‌آل داشته باشد، دقیقاً ۲ دقیقه و ۱۵ ثانیه است. او فقط دو شمع دارد که هر کدام طی ۳ دقیقه می‌سوزند. قسمت‌های مختلف شمع‌ها نیز با سرعت‌های

متفاوتی می‌سوزند. درضمن این خانم ساعت یا هیچ وسیله اندازه‌گیری زمان دیگری در اختیار ندارد. حال او چگونه می‌تواند فقط با این دو شمع و یک کبریت زمان مورد نظر را اندازه بگیرد؟



۴۶) دو استخر

دو استخر داریم که گنجایش هر کدام ۱۰ هزار لیتر است. در استخر اوّل، روز اوّل ۳ لیتر، روز دوّم ۹ لیتر، روز سوّم ۲۷ لیتر و به همین

ترتیب آب می‌ریزیم. در استخر دوّم، روز اوّل ۱۰۰ لیتر، روز دوّم ۲۰۰ لیتر، روز سوّم ۳۰۰ لیتر و به همین صورت الی آخر آب می‌ریزم.

حال می‌توانید بگویید کدام استخر زودتر پر می‌شود؟

۴۷) اندازه‌گیری

ترازوی یک نانوا خراب شده است. او تنها دو ظرف دارد که یکی ۴ کیلویی و دیگری ۹ کیلویی است. با فرض این که چگالی آرد و آب یکسان است؛ نانوا چگونه می‌تواند فقط با ظروف مذکور، ۷ کیلو آرد را با ۳ کیلو آب، مخلوط کند و خمیر درست کند تا صدای اعتراض مشتریانی که منتظر نان هستند را پایین بیاورد؟



۴۸) جواب عجیب

یک پدر و یک پسر برای تماشای مسابقات دوی قهرمانی کشور تاجیکستان به استادیوم رفته بودند.

آن‌ها داخل استادیوم مشغول تماشا کردن مسابقات دو بودند و تنقّلات می‌خوردند. در این میان پسر به پدرش گفت: پدر، آیا سه‌شنبه بعد از دوشنبه است؟

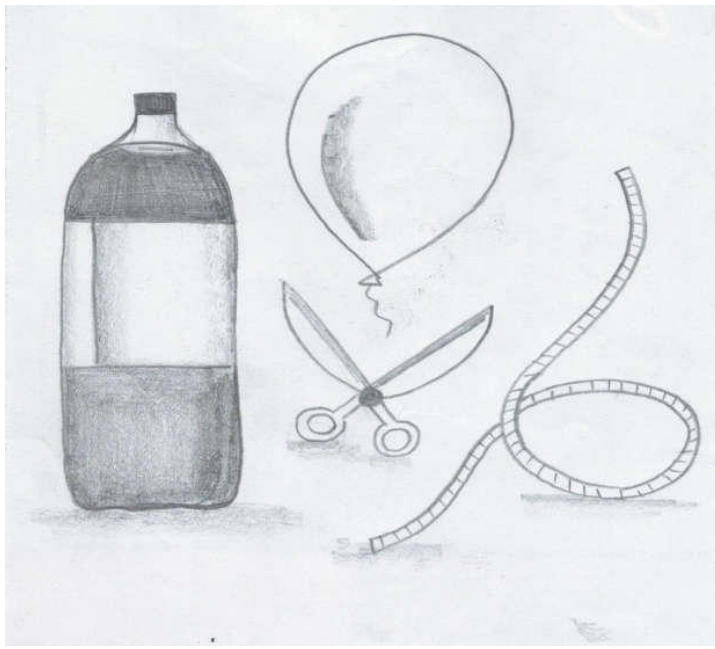
پدر جواب داد: خیر پسرم. دوشنبه بعد از سه‌شنبه قرار دارد.

چرا پدر این جواب را به پسرش داد؟



۴۹) باد کردن بادکنک

مردی به همراه فرزند خردسال خود به سوپرمارکت رفت و یک نوشابه خرید. کودک در مغازه چشمش به بادکنک‌ها افتاد و پدر یک بادکنک نیز برای او خرید. آن‌ها به خانه آمدند. کودک گریه و زاری کرد که پدرش بادکنک را باد کند؛ ولی پدر تازه دندان‌هایش را جراحی کرده بود و نمی‌توانست این کار را با فوت کردن انجام دهد. دم دست او نیز، یک بطری، تکّه‌ای شلنگ و یک قیچی بود؛ امّا با این حال پدر با ترفندی جالب، بادکنک را باد کرد. آیا می‌توانید بگویید چگونه؟



۵۰) تعداد سطرها و ستون‌ها

آریانا عاشق معمّا و بازی فکری است. یک روز او داشت تعداد مربّع‌ها در جدولی مربّعی با تعداد سطر و ستون برابر را می‌شمرد که برادرش از او پرسید: چند تا مربّع در جدول بود؟ آریانا جواب داد: ۱۴ تا. سپس آریانا پرسید: آیا می‌توانی بگویی این جدول چند سطر و ستون دارد؟ برادرش از فهمیدن جواب عاجز ماند! آیا شما می‌توانید جواب را پیدا کنید؟

پاسخ‌نامه

۱- اگر فرض کنیم او شلوار را ۱۰۰ هزار تومان قیمت گذاشته باشد، آن را ۱۰ هزار تومان خریده است. امّا تخفیف‌ها؛ بعد از تخفیف ۲۰ درصدی قیمت شلوار ۸۰ هزار تومان می‌شود. حال اگر ۳۰ درصد از ۸۰ هزار تومان کم کنیم، درواقع ۷۰ درصد ۸۰ هزار تومان را پرداخت کرده‌ایم که ۵۶ هزار تومان می‌شود. سپس با ۵۰ درصد تخفیف، نصف ۵۶ هزار تومان، یعنی ۲۸ هزار تومان پرداخت می‌کنیم. این یعنی فروشنده این شلوار را ۲/۸ برابر قیمت خرید خود می‌فروخته است!

۲- در قطب جنوب ۶ ماه شب و ۶ ماه روز است. این یعنی ۱۲ ساعت بعد هم خورشید هست و این فرد می‌تواند آتش برپا کند.

۳- هیچ. بقیّه، شیرها هم با شنیدن صدای شلیک، از روی تخته سنگ فرار می‌کنند.

۴- اندازه‌گیری ۱ دقیقه: ساعت شنی ۱۳ دقیقه‌ای را راه انداخته و ساعت شنی ۳ دقیقه‌ای را ۴ بار پشت و رو می‌کنیم. بعد از ۱۲ دقیقه، ۱ دقیقه از ساعت ۱۳ دقیقه‌ای باقی می‌ماند.

اندازه‌گیری ۲ دقیقه: همان مراحل اندازه‌گیری ۱ دقیقه را انجام می‌دهیم. زمانی که ۱ دقیقه از ساعت ۱۳ دقیقه‌ای باقی مانده بود، زمان سنج ۳ دقیقه‌ای را راه می‌اندازیم تا ۲ دقیقه از آن باقی بماند.

اندازه‌گیری ۳ دقیقه: با ساعت شنی ۳ دقیقه‌ای.

اندازه گیری ۴ دقیقه: بعد از اندازه‌گیری ۱ دقیقه، ساعت شنی ۳ دقیقه‌ای را فعّال می‌کنیم.

اندازه‌گیری ۵ دقیقه: بعد از اندازه‌گیری ۲ دقیقه، ساعت شنی ۳ دقیقه‌ای را راه می‌اندازیم.

۵- تنها حالتی که همه‌ی اعداد این حاصل‌ضرب هم اوّل و هم فرد می‌شوند، ۳۷۵=۵×۷۵ است.

۶- همسرهای دو زن فوت کرده‌اند. پسر زن اوّل با زن دوّم و پسر زن دوّم با زن اوّل ازدواج کرده است و هر زوج یک پسر به دنیا

آورده‌اند. این دو پسر هر کدام عموی دیگری هستند. برای درک بهتر برای هر کدام اسم بگذارید و نسبت آن‌ها را پیدا کنید.

۷- او باید پیراشکی‌هایش را در ۶ بسته ۱۶، ۸، ۶، ۴، ۲ و ۱ تایی بسته‌بندی کند. برای مثال اگر کسی ۱۵ تا پیراشکی بخواهد، او باید بسته‌های ۸، ۶ و ۱ تایی را بدهد.

۸- رامین یکی دو دقیقه مانده به ساعت ۲۴، روز ۲۹ اسفند یک سال کبیسه، به دنیا آمده است و رامتین یکی دو دقیقه بعد از ساعت ۲۴ یعنی ۳۰ اسفند، به دنیا آمده است. یعنی اصلاً آن سال تولّد رامتین نبوده است.

۹- در ظرف A، ۲۰۰ گرم خاک می‌ریزیم؛ پس جرم آن ۴۰۰ گرم می‌شود. بعد ظرف A را درون ظرف B قرار می‌دهیم. حالا ظرف B ۳۰۰ گرم دیگر جا دارد. ۳۰۰ گرم باقی مانده را نیز در ظرف B می‌ریزیم؛ پس جرم آن ۱/۲ کیلوگرم می‌شود. حال با قرار دادن ظرف B داخل ظرف C جرم آن ۲/۲ کیلوگرم می‌شود.

۱۰- تنها حالتی که می‌توان به عدد ۱۰۰ رسید، این است که روی تاس دو بار عدد ۱۷ و شش بار عدد ۱۱ بیاید.

۱۱- راننده قاتل بوده است؛ زیرا اسلحه داری صدا خفه کن بوده است و هیچ کس هیچ صدایی نیز نشنیده است؛ پس او چطور گفته است من با شنیدن صدا از اتاقم بیرون آمدم؟

۱۲- او ابتدا شماره قرعه‌کشی فرد مورد نظر خود را پیدا می‌کند. مثلاً اگر شماره ۱۰۲۴ بود، در سبد اوّل دو توپ که دارای شماره ۱ هستند، در سبد دوّم سه توپ که همگی شماره صفر دارند ، در سبد سوّم ۸ توپ که همگی شماره ۲ دارند و در سبد آخر ۱۰ توپ که همگی شماره ۴ دارند قرار می‌دهد. به این ترتیب فرد مورد نظر او برنده می‌شود.

۱۳- کافیست زندان‌بان مقداری پنبه بردارد، یک طرف آن را در لیوان آب قرار دهد و طرف دیگر آن را در لیوان خالی بگذارد. به این ترتیب لیوان خالی در اثر قدرت جذب و کشش پنبه پر خواهد شد.

۱۴- اگر توپی که عدد ۲۵ روی آن است را ۱۸۰ درجه بچرخانیم، عدد ۵۲ حاصل می‌شود.

۹۹=۳۳+۱۴+۵۲ ۹۹ بخش پذیر بر ۱۱

۱۵- وقتی زاویه‌ای که عقربه ساعت شمار با ساعت ۱۲ می‌سازد هنوز به ۳۰ درجه هم نرسیده است؛ یعنی عقربه به $\frac{۱}{۱۲} = \frac{۳۰}{۳۶۰}$ صفحه‌ی ساعت هم نرسیده است؛ یعنی ساعت هنوز ۱ هم نشده است. پس ساعت تقریباً ۰۰:۴۵ بوده است. امّا به طور دقیق، وقتی ۴۵ دقیقه می‌گذرد یعنی $\frac{۳}{۴}$ ساعت گذشته است که $\frac{۳}{۴} \times ۳۰ = ۲۲/۵$ درجه می‌شود و سه برابر آن ۶۷/۵ درجه می‌شود؛ یعنی عقربه‌ی دقیقه شمار، باید ۲۲/۵ درجه نسبت به حالت ۹۰ درجه به ساعت ۱۲ نزدیک تر باشد. $\frac{۲۲/۵}{۳۰}$ از ۵ دقیقه، ۲ دقیقه و ۴۵ ثانیه می‌شود. یعنی عقربه‌ی دقیقه شمار باید ۲ دقیقه و ۴۵ ثانیه به ساعت ۱۲ نسبت به حالت ۱۲:۴۵ نزدیک تر باشد. پس ساعت ۰۰:۴۷:۴۵ بوده است.

۱۶- ترتیب افراد به این صورت است:

مهدی- جلال- اشکان- مسعود- علیرضا

بنابراین مهدی کاپیتان است.

۱۷- آقای هاشمی قاتل است. آقای مهدوی یکشنبه به قتل رسیده بود؛ در صورتی که ماجرایی که آقای هاشمی تعریف کرد برای یک ماه پیش بوده است. یک ماه ۲۸ روز(۴ هفته) و ۲ روز است. چهار هفته‌ی پیش باز هم یکشنبه بوده؛ امّا ۲ روز قبل از آن جمعه بوده است. پس در این روز اصلاً آقای مهدوی در مدرسه نبوده است!

۱۸- می‌دانیم که عزّت هم نام پسر و هم نام دختر است. از طرفی کار کردن دختران در قصّابی نیز غیر ممکن نیست. پس ممکن است این فرد دختر بوده باشد و آقای هدایتی اشتباه کرده باشد.

۱۹- خودروی A مثل این می‌ماند که با سرعتی دوبرابر خودش به درخت برخورد کرده است. وقتی نیروی وارده به دو خودروی A و

C برابر است، یعنی خودروی C سرعتی معادل دوبرابر سرعت خودروهای A و B داشته است.

۲۰- نیروی تندر= $\frac{۲}{۳}$ نیروی نیسان

نیروی پراید= $\frac{۱}{۲}$ نیروی نیسان

۳ نیروی پراید= $\frac{۳}{۲}$ نیروی نیسان

۲ نیروی تندر= $\frac{۴}{۳}$ نیروی نیسان

پس دو تندر ۹۰، سه پراید را به سمت خود می‌کشد.

۲۱- پسر بزرگ‌تر می‌تواند لوازم یدکی بخرد، این یعنی ۱۶ یا ۳۲ ساله است. پسر میانی خودش می‌تواند به دستشویی برود پس بالای ۲ سال دارد. پس پسران این خانم ۱۶، ۴ و ۱ ساله هستند.

۲۲- دو کارت دارای شماره ۷ را می‌چرخانیم تا به ۸ تبدیل شوند و به صورت زیر در جدول می‌چینیم:

۷	۵	۲
۲	۳	۸
۸	۷	۵

۲۳- اگر تعداد میهمانان را n در نظر بگیریم. هر نفر به $n-۱$ نفر سلام می‌دهد و چون آن ها نیز جواب می‌دهند، این تعداد دو برابر می‌شود. یعنی تعداد سلام ها $۲n\ (n-۱)$ می‌شود. پس دایم:

$$n\ (n-۱) = ۴۰ \qquad ۲n\ (n-۱) = ۸۰$$

پس حداقل این مقدار ۴۲=۶×۷ می‌باشد یعنی ۸۴ سلام. این یعنی دو تا دو نفر به هم سلام نکرده‌اند.

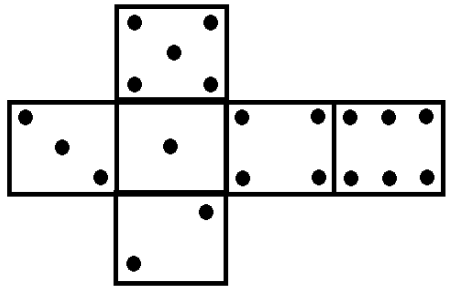
۲۴- صفحات اوّل و دوّم دفتر روی یک برگ و صفحات سوّم و چهارم روی دو برگ‌اند. با ادامه‌ی این روند درمیابیم که صفحات فرد- زوج روی یک برگ و صفحات زوج- فرد در دو برگ جداگانه هستند. پس صفحات ۲۲ و ۲۳ در دو برگ جدا هستند یعنی با کندن آن ها، ۴ صفحه از دست می‌رود. امّا صفحات ۳۵ و ۳۶ در یک برگند، یعنی ۲ صفحه‌اند. پس علی درواقع ۶ صفحه و ۲۴ سؤال را از دست داده است.

۲۵- اگر سکّه به قطر d باشد، باید مربعّی به ضلع d حول آن درنظر بگیریم احتمال قرار گرفتن سکّه در هر مربّع برابر است با:

$\frac{\text{مساحت مربّع فرضی}}{\text{مساحت مربّع}}$ حالا این احتمال باید $\frac{۱}{۲}$ باشد.

$$\frac{(۱-d)^۲}{(۱\times ۱)^۲} = \frac{۱}{۲} \qquad d = ۰/۳$$

۲۶- عدد ۵. شکل باز شده‌ی این تاس را در زیر می‌بینیم:



۲۷- این دو پسر از دو مادر مختلف ولی از یک پدر بوده‌اند و در یک تاریخ متولّد شده‌اند.

۲۸- هر ردیف حروف، تعداد خطوط برابر دارند. مثلاً در ردیف دوّم از بالا تعداد خطوط هر حرف، دو تاست. در ردیف سوّم هر حرف از چهار پاره خط تشکیل شده است. پس رمز جدول کلمه‌ی LEFT است.

۲۹- شستن هر عدد شلوار با دست ۷/۵ = $\frac{۳۰}{۴}$ دقیقه طول می‌کشد. زمان شستشو با ماشین لباسشویی ۳ برابر شستشو با دست است؛ یعنی ۷/۵×۳=۲۲/۵ دقیقه. دقّت کنید که تعداد لباس‌ها در شستن با ماشین لباسشویی مهم نیست.

۳۰- حتماً فکر می‌کنید ۴ کیک. به همین سادگی! خیر.

هرآشپز در ۳ ساعت، ۱ کیک می‌پزد، یعنی هر آشپز در ۱ ساعت $\frac{۱}{۳}$ کیک را می‌پزد. بنابراین هر آشپز در ۴ ساعت، $\frac{۴}{۳}$ کیک را می‌پزد. پس ۴ آشپز در ۴ ساعت $\frac{۱۶}{۳}$ کیک می‌پزد. این یعنی آن‌ها ۵ کیک را پخته و $\frac{۱}{۳}$ مراحل پخت یک کیک را نیز طی کرده‌اند.

۳۱- نیما بعد از نهار به حمام رفته بوده است، یعنی زمان بین ساعات ۱ تا ۵ عصر بوده است. پس ساعت ۱۶:۵۵ بوده است که درآیینه ۱۹:۰۵ دیده می‌شده است.

۳۲- حتماً نبات‌ها مسموم بوده‌اند. چون فقط محمّد نبات را در چای حل نکرده بوده است.

۳۳- سریع‌ترین و قاطع‌ترین برد زمانی است که سه بار متوالی عدد ۶ برایتان ظاهر شود که این احتمال برابر است با:

$\frac{۱}{۲۱۶} = \frac{۱}{۶} \times \frac{۱}{۶} \times \frac{۱}{۶}$ یعنی حداقل باید ۲۱۶ بار بازی کنیم تا حداقل یک بار این شانس وجود داشته باشد.

۳۴- مناسب ترین وزنه، وزنه‌ی ۰/۶گرمی است. به وسیله‌ی این وزنه می‌توان جرم‌های ۳/۶، ۳، ۲/۶، ۲/۴، ۲، ۱/۶، ۱/۴، ۱، ۰/۶و

۰/۴ کیلوگرم را اندازه گرفت. مثلاً جرم ۰/۴ کیلوگرم را می‌توان با گذاشتن وزنه‌های ۱و ۰/۶ کیلوگرم در دو طرف ترازو اندازه گرفت.

۳۵- دو ماه پیش سوّم بهمن ماه بوده است و اگر سوّم بهمن، ماه آینده باشد، در سوّم دی هستیم.

۳۶- به دنبال عرض خیابان می‌گردید تا توسّط رابطه‌ی فیثاغورث فاصله را پیدا کنید؟ در اشتباهید!

در سمت چپ ۴۲ درخت وجود دارد ولی اعداد زوج وسط ندارند. پس اصلاً این درخت وجود ندارد که بخواهیم برای آن فاصله پیدا کنیم.

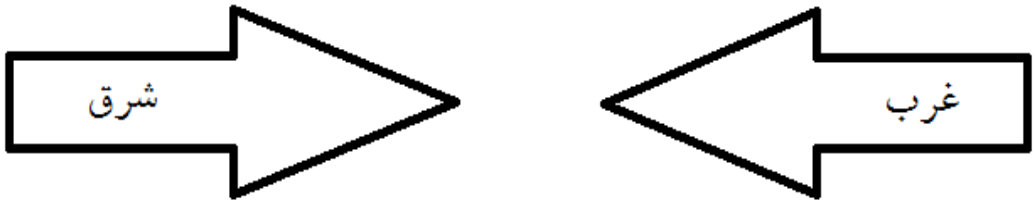
۳۷- شما می‌توانید همزمان به مادر و عمّه‌ی خود به دروغ بگویید که یک لنگه جوراب دارید و از آن‌ها خواهش کنید که هر کدام فقط یک لنگه جوراب ببافند.

۳۸- معنی علامت‌های روی برگه " ستاره هاشمی، دفتردار" می‌باشد.

۳۹- اگر بخاری تا آخر زیاد بوده و همین یک دقیقه پیش خاموش شده باشد، نمی‌توان به آن تکیّه داد!

۴۰- در فضاپیما و در خارج جوّ زمین به دلیل جاذبه‌ی نزدیک به صفر، اشک از گونه جاری نمی‌شود و درون آن می‌ماند.

۴۱- این دو دوست در واقع به سمت همدیگر حرکت می‌کرده‌اند.



۴۲- عدد ۱۰۷ است که درون آیینه به ۷۰۱ و با وارونگی به ۱۰۸ تبدیل می‌شود.

۴۳- هیچ کدام. همه حداقل به یک زبان که زبان مادریشان است، تسلّط دارند.

۴۴- سجّاد ۱ عمو و ۳ عمّه همچنین عمّه‌اش ۲ برادر و ۲ خواهر دارد.

۴۵- او باید هر دو طرف شمع اوّل را روشن کند و شمع دوّم را فقط از یک طرف روشن کند. بعد از ۱ دقیقه و ۳۰ ثانیه که شمع اوّل از بین رفت، طرف دیگر شمع دوّم را هم آتش بزند. به این

صورت ۴۵ ثانیه طول می‌کشد تا ادامه‌ی این شمع نیز آب شود و مجموعاً ۲ دقیقه و ۱۵ ثانیه زمان محاسبه می‌شود.

۴۶- فقط آبی که در روز نهم در استخر اوّل می‌ریزیم $۳^۹=۱۹۶۸۳$ لیتر، یعنی تقریباً دو برابر گنجایش استخر است؛ امّا در استخر دوّم بعد از ۹ روز فقط ۴۵۰۰ لیتر آب ریخته می‌شود.

۴۷- نانوا برای اندازه‌گیری ۳ کیلو آب باید دو بار ظرف ۴ کیلویی را پر کرده و به ظرف ۹ کیلویی بریزد. حالا ظرف ۹ کیلویی ۱ کیلو گنجایش دارد. با ریختن یک ظرف پر ۴ کیلویی به ظرف ۹ کیلویی و پر کردن آن، ۳ کیلو آب در ظرف ۴ کیلویی می‌ماند.

با تکرار همین مراحل برای آرد و اضافه کردن ۳ کیلو از آن به ۴ کیلو از این مادّه، می‌توان ۷ کیلو از آرد را نیز اندازه گرفت.

۴۸- دوشنبه و سه‌شنبه نام دوندگان بوده است و این پدر و پسر داشتند درباره‌ی فاصله‌ی آن‌ها از هم صحبت می‌کرده‌اند.

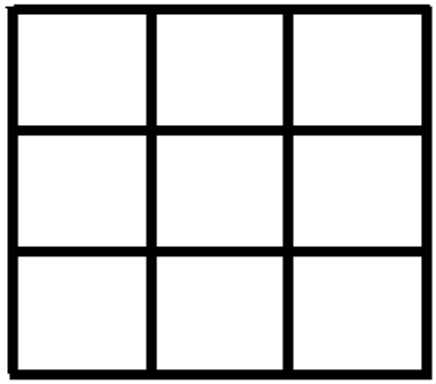
۴۹- این مرد کافی است بادکنک را به سر بطری نوشابه انداخته و نوشابه را تکان دهد تا گاز نوشابه بادکنک را باد کند.

۵۰- این مربّع، ۳×۳ بوده است.

۹ = تعداد مربّع های ۱×۱

۴ = تعداد مربّع های ۲×۲

۱ = تعداد مربّع های ۳×۳



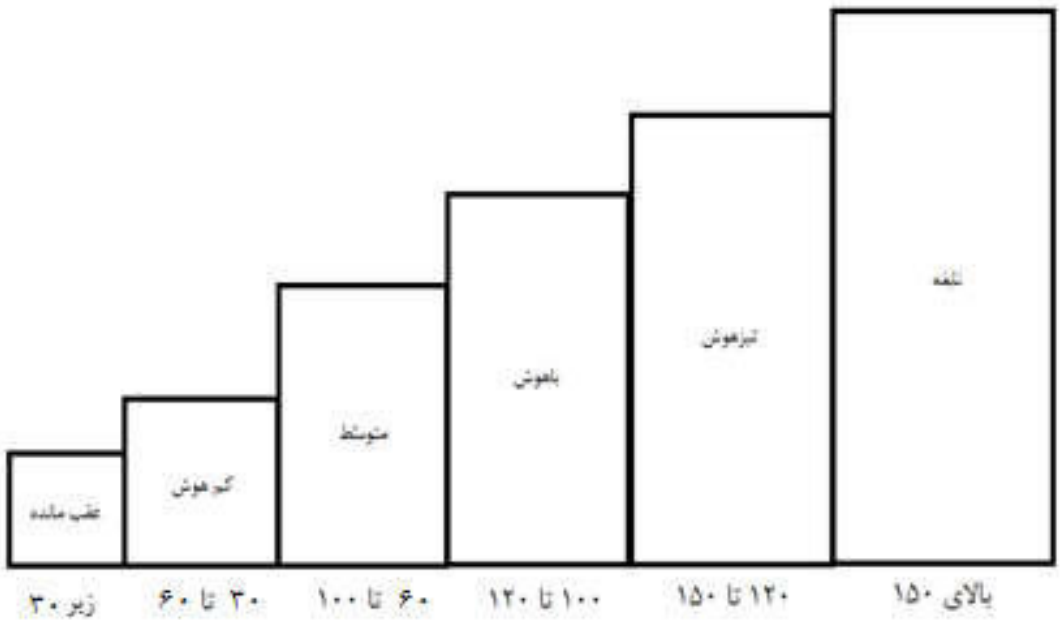
تست هوش

مقدمه:

این تست هوش شامل ۲۰ سؤال است و ۲۰ دقیقه زمان دارد. هر سؤال ۹ امتیاز و هر دقیقه زودتر جواب دادن ۲ امتیاز دارد.

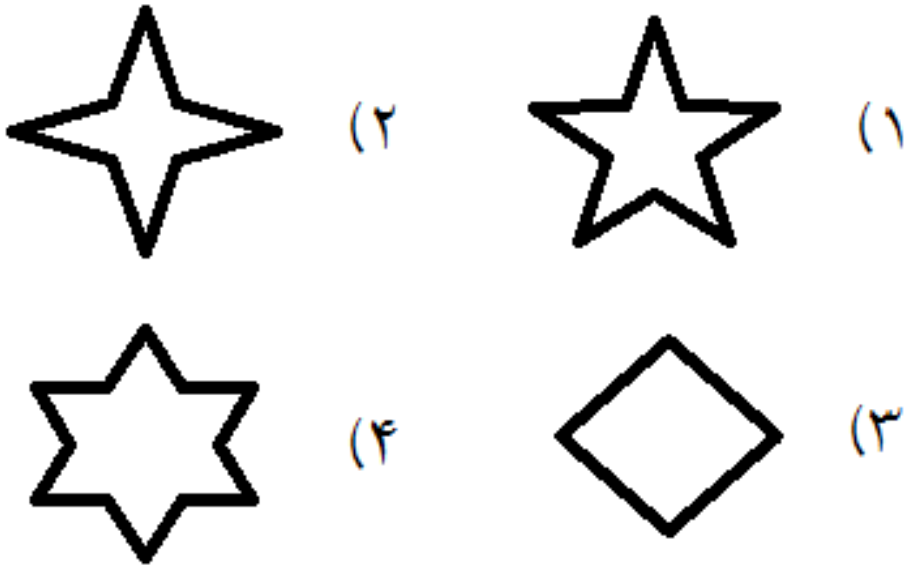
نمره ای که از این تست کسب می‌کنید، ضریب هوشی شما را از ۰ تا ۲۰۰ تعیین می‌کند.

درجه بندی هوش بر اساس نمره به صورت زیر است:





١)

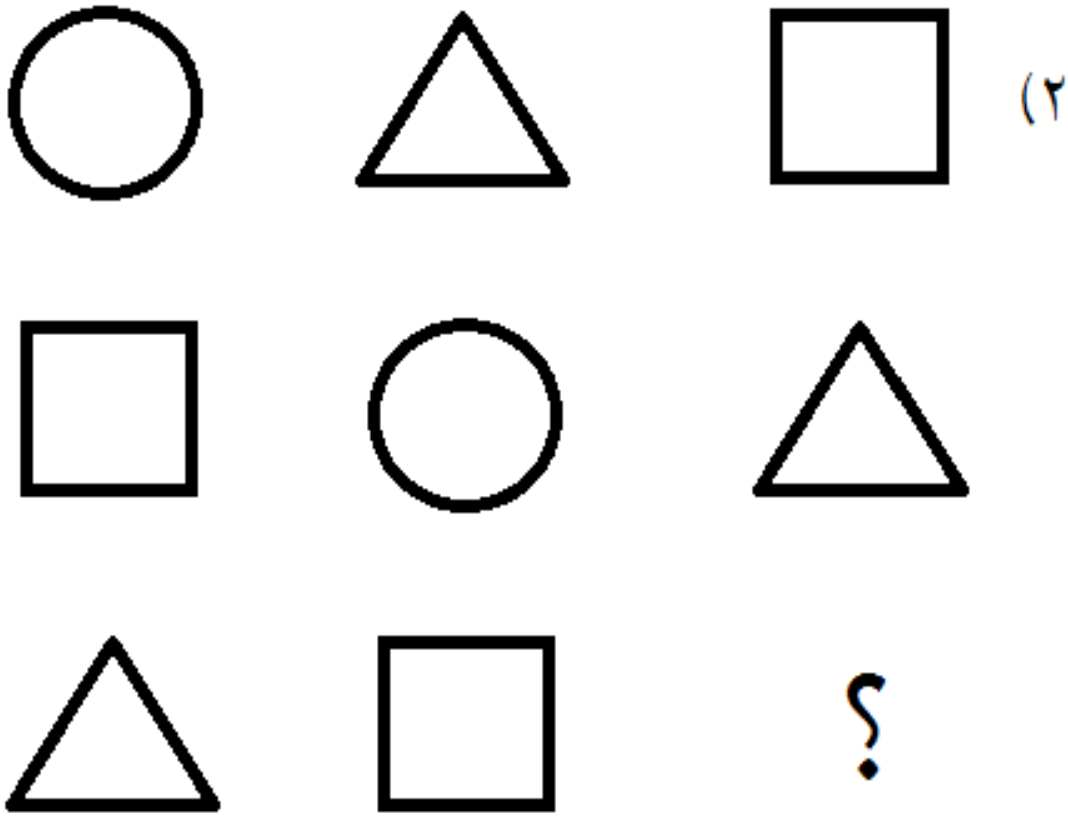


٢)

١)

٤)

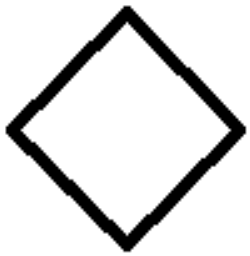
٣)

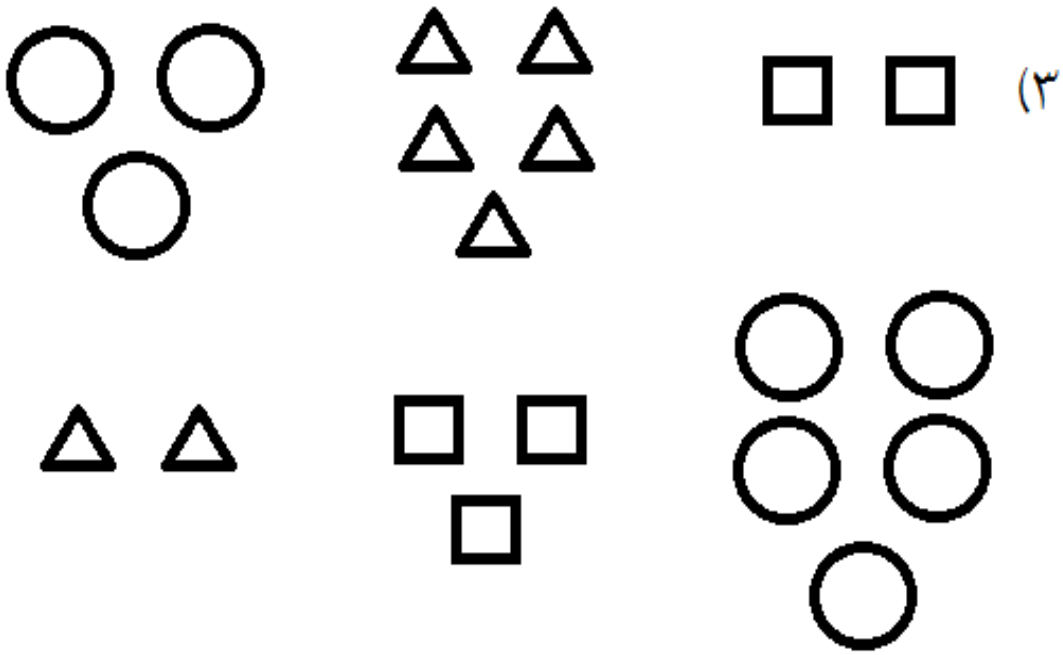


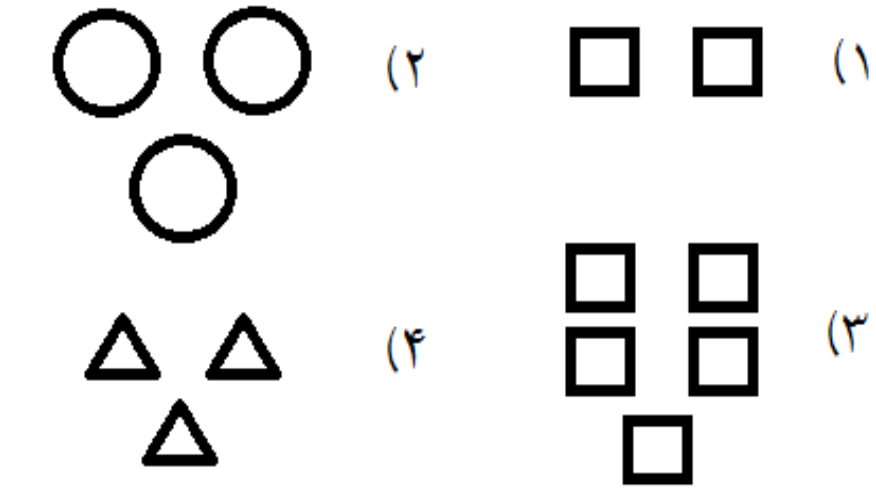
١) 

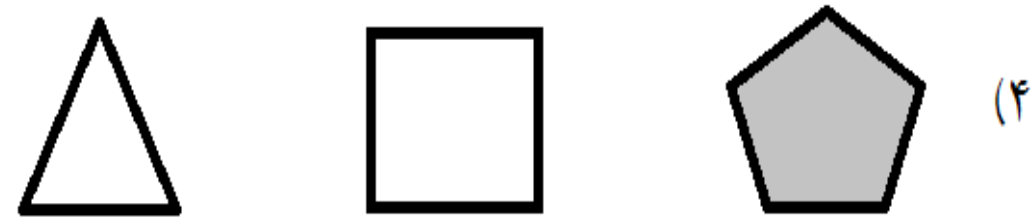
٢) 

٣) 

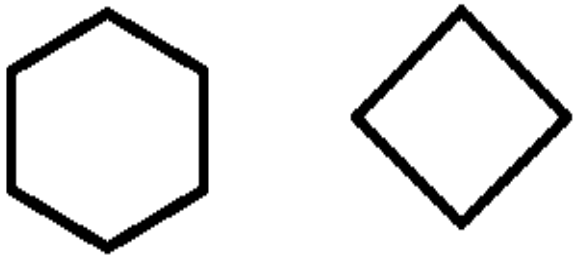
٤) 


٣)
؟


١)
٢)
٣)
٤)







؟



٢)



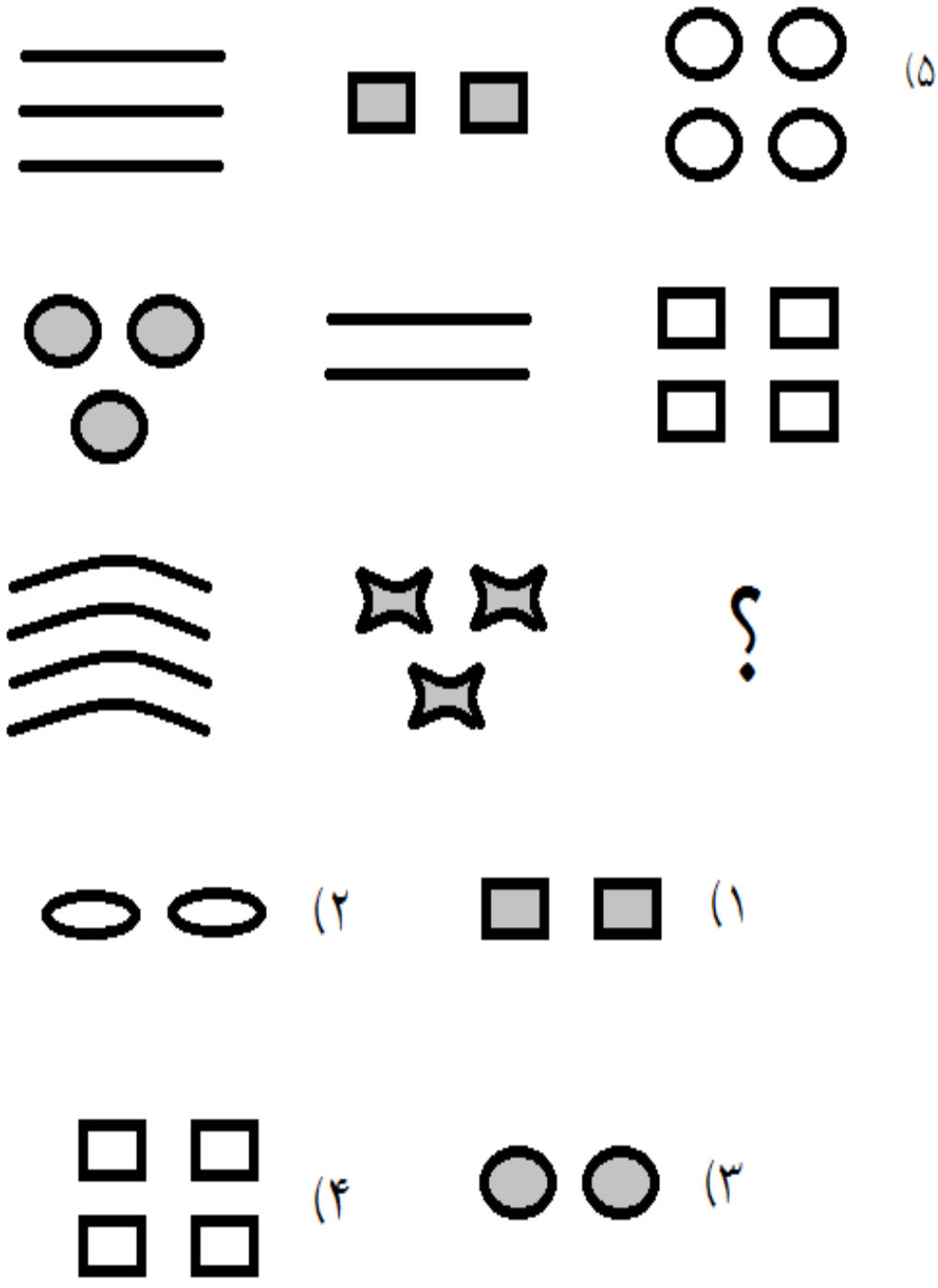
١)

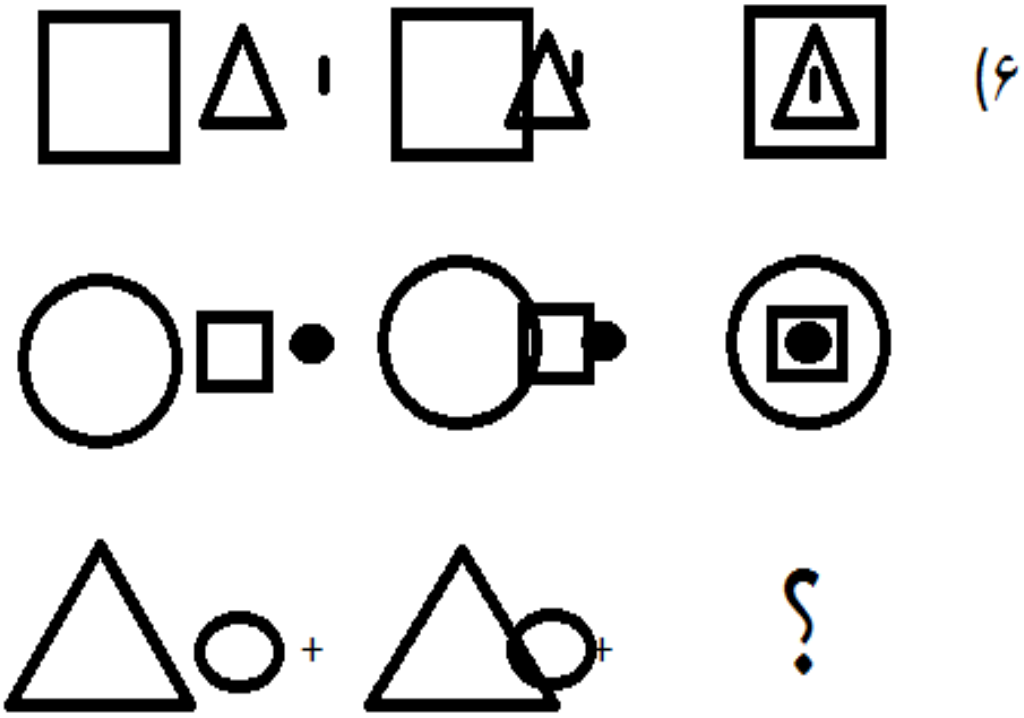


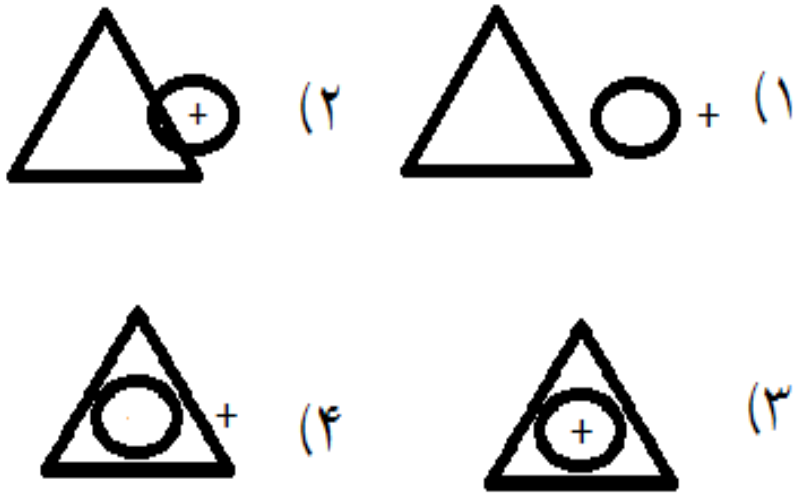
٤)



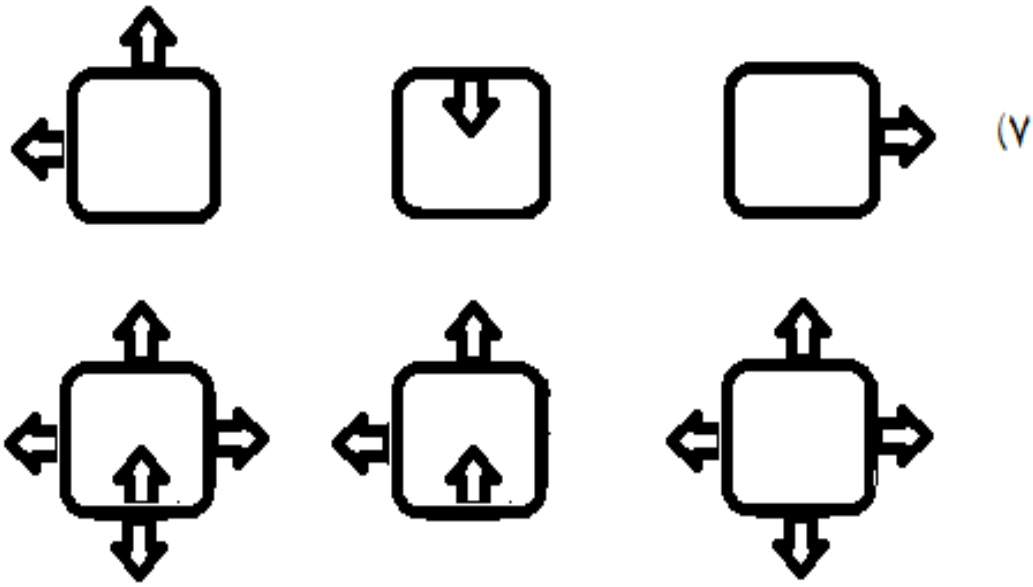
٣)


١)
٢)
٣)
٤)
٥)
؟


١
٢
٦)
؟


١)
٢)
٣)
٤)

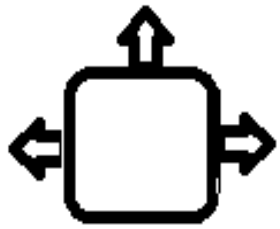
٧)



؟



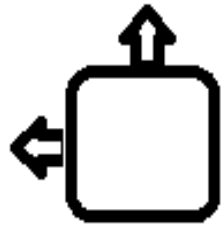
١)



٢)

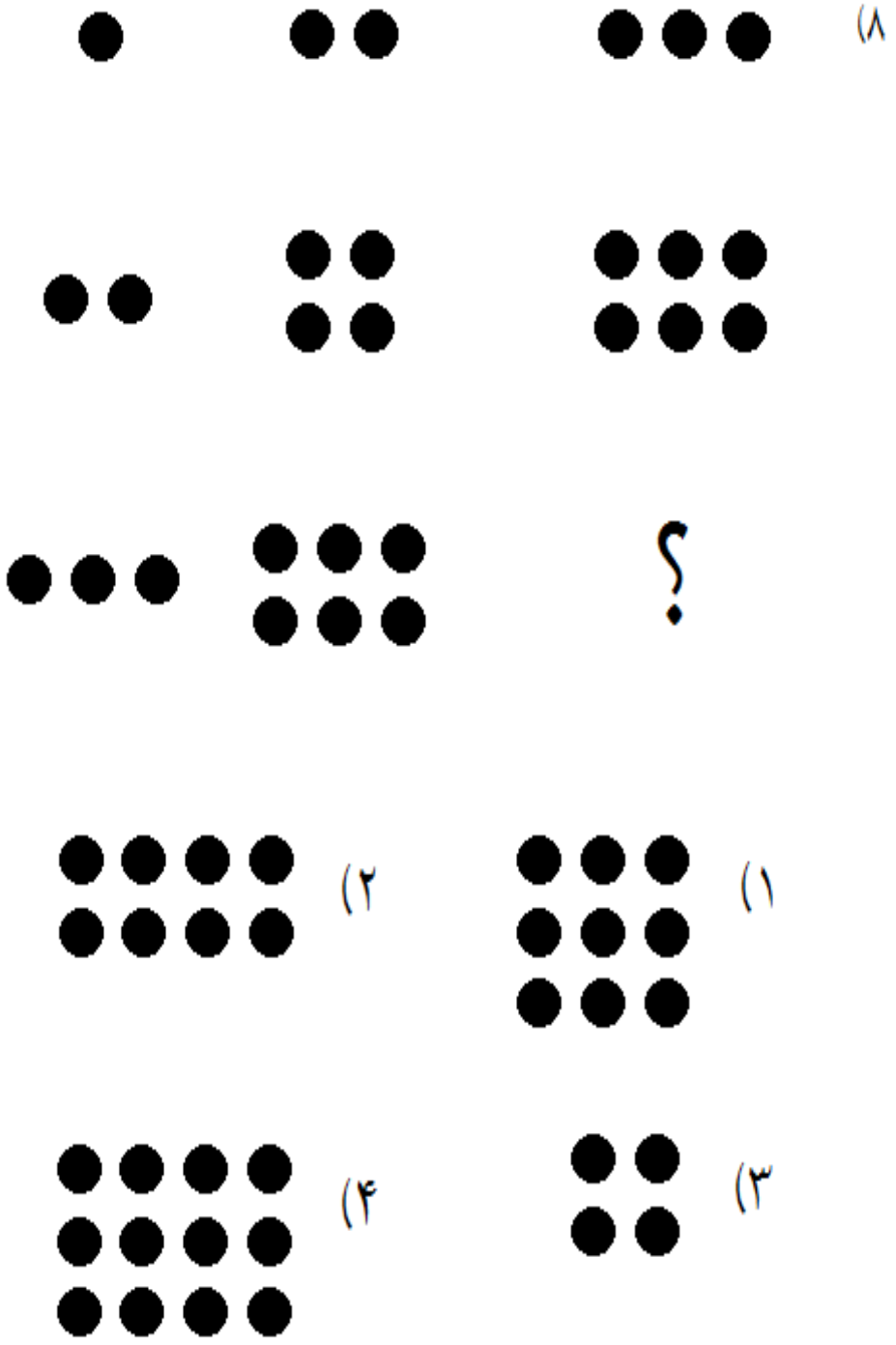


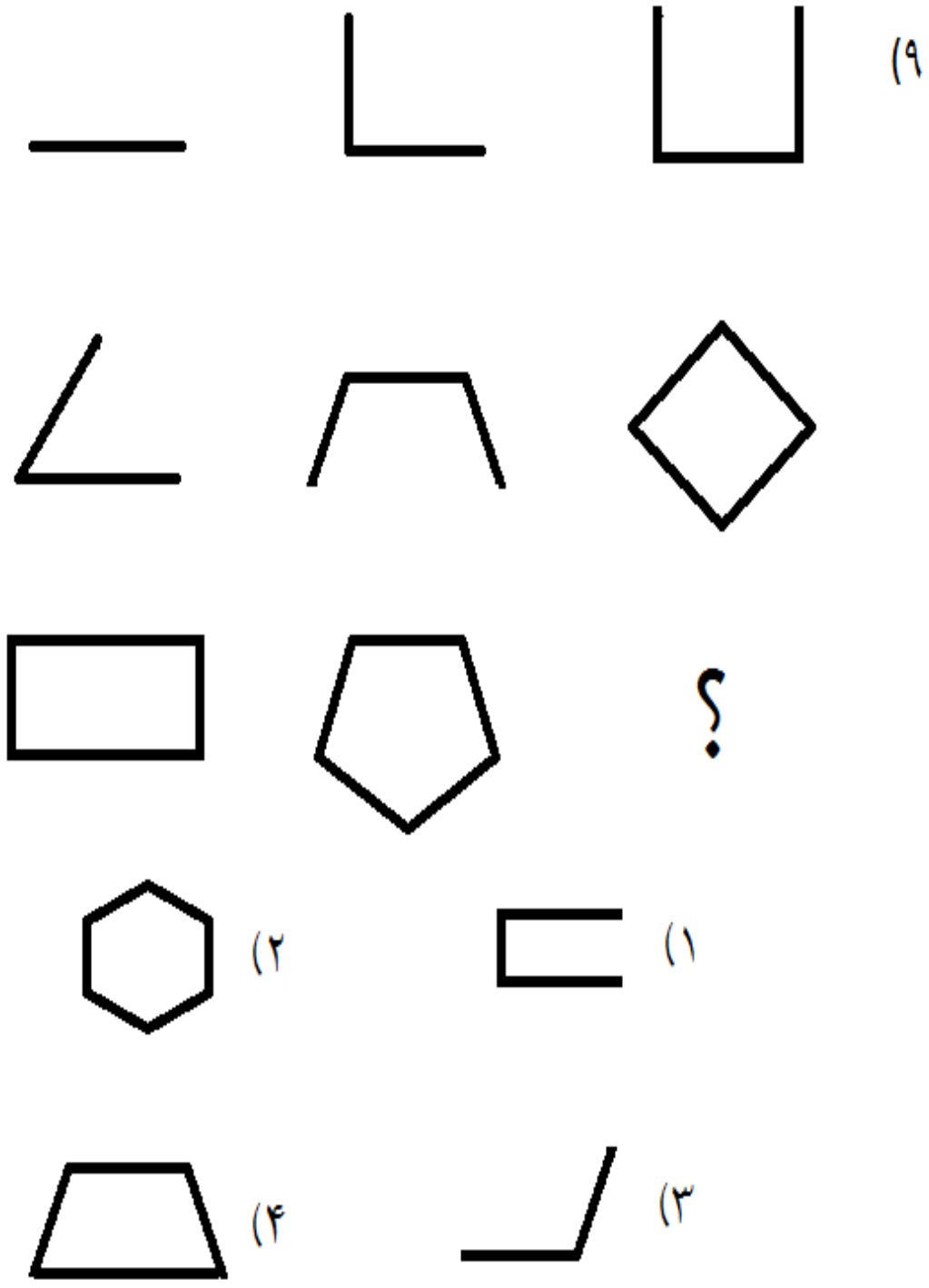
٣)

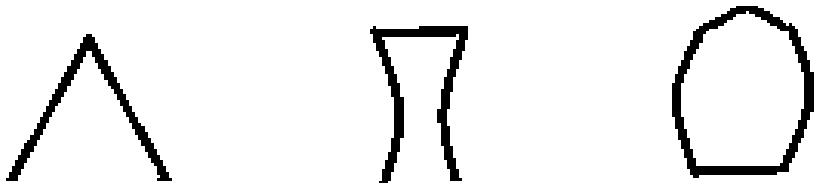


٤)

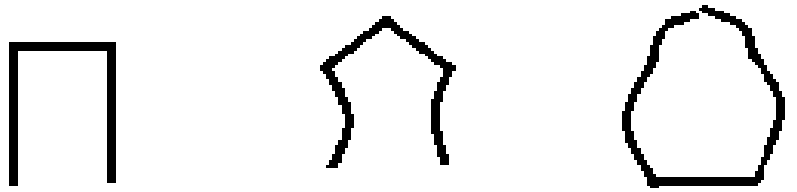


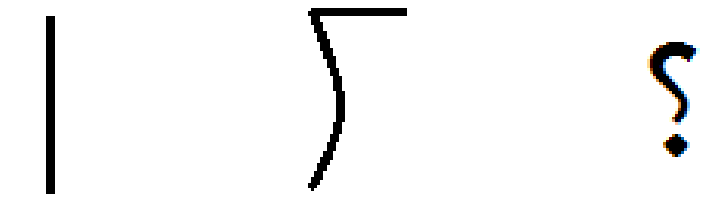

٨)
؟
١)
٢)
٣)
٤)


٩)
؟
١)
٢)
٣)
٤)



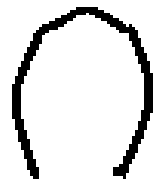
١٠)



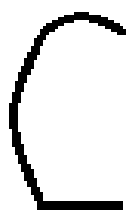




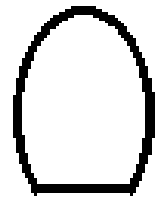
٢)



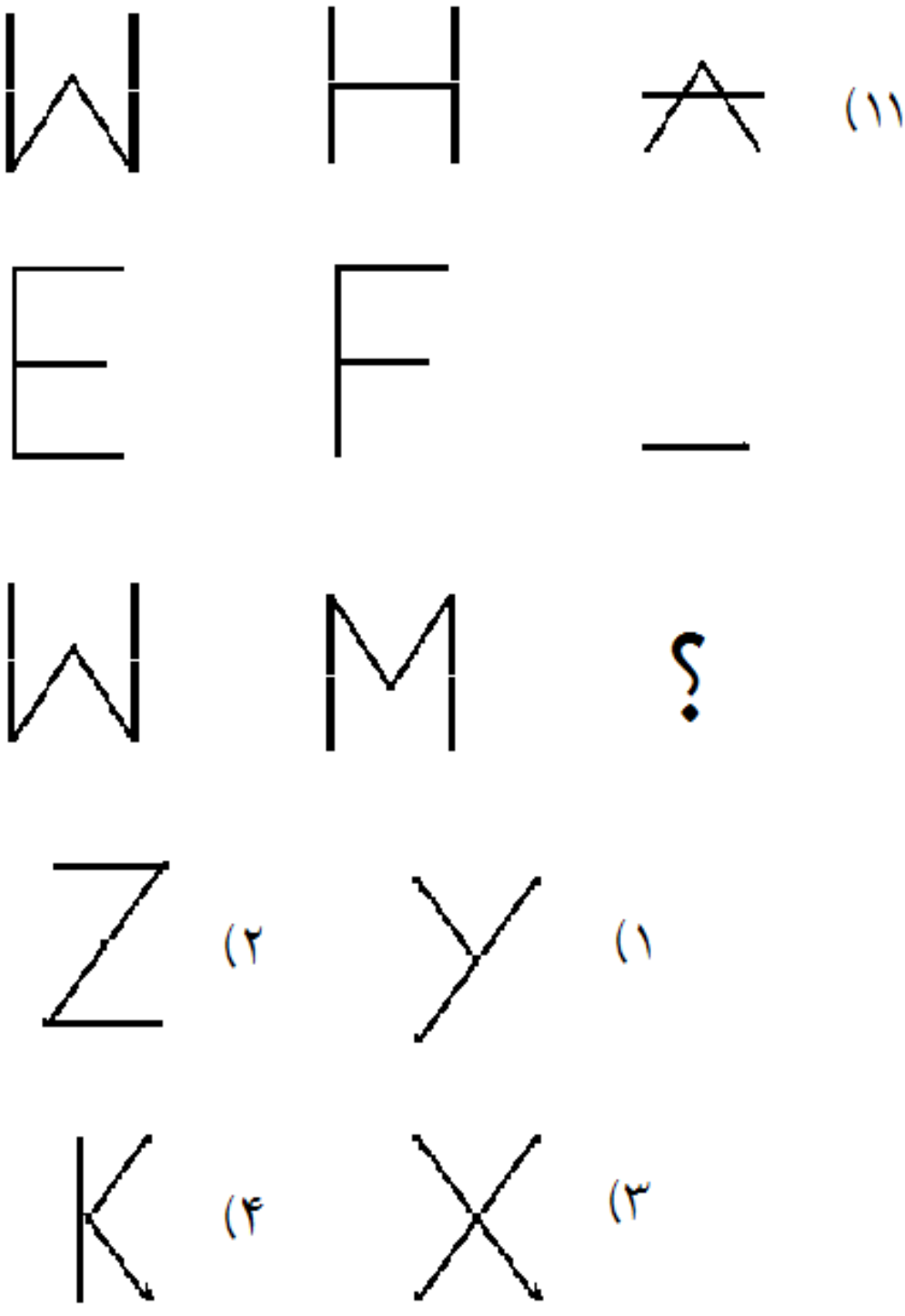
١)

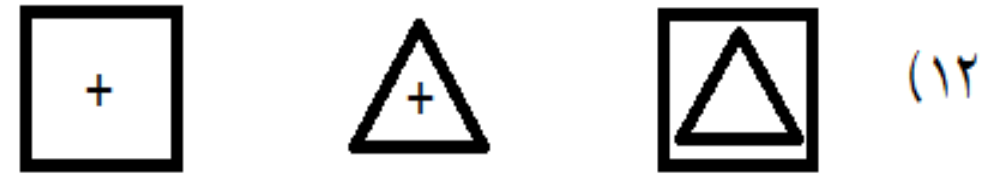


٤)



٣)


١١)
٢)
١)
٤)
٣)



١٢)





؟



١)



٢)

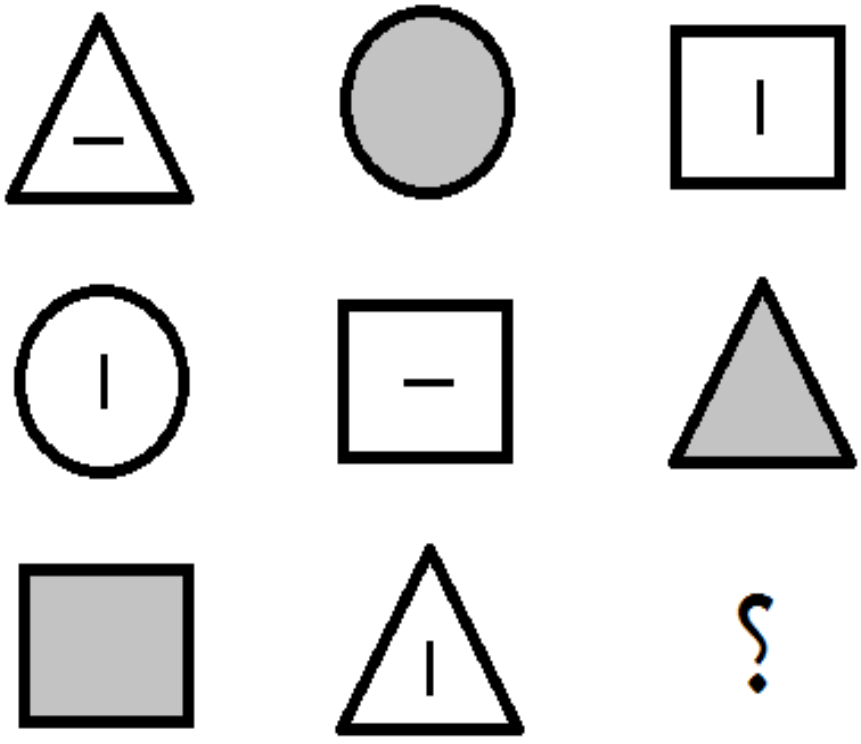


٣)



٤)

١٣)



١)



٢)



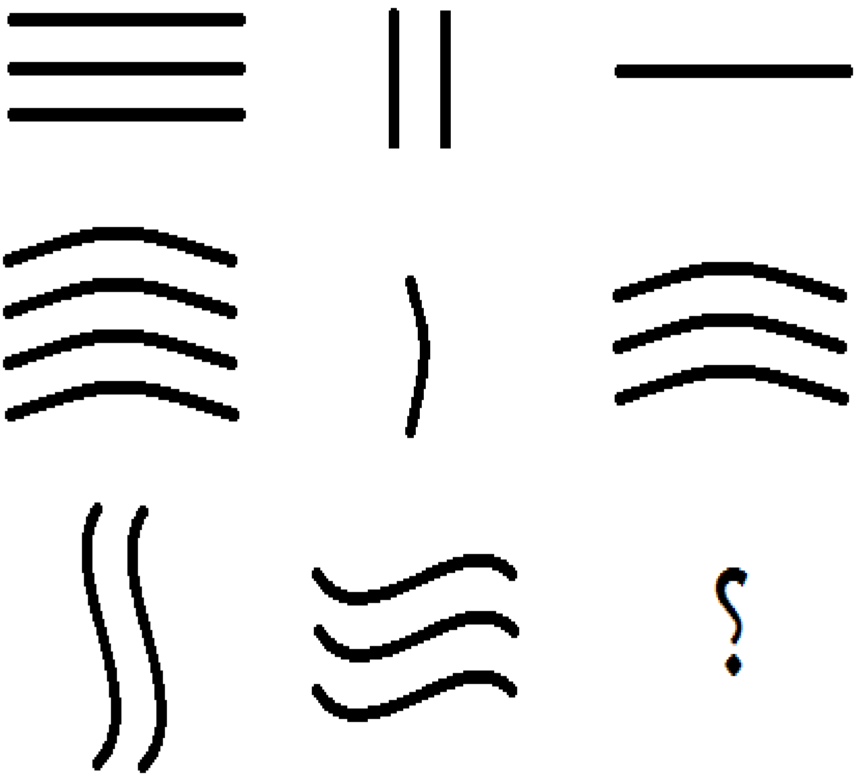
٣)



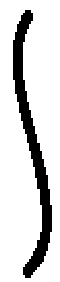
٤)



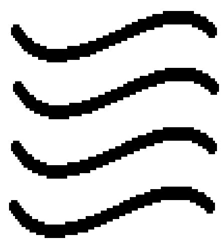
۱۴)



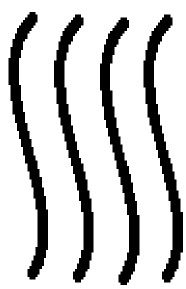
۱)



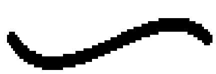
۲)



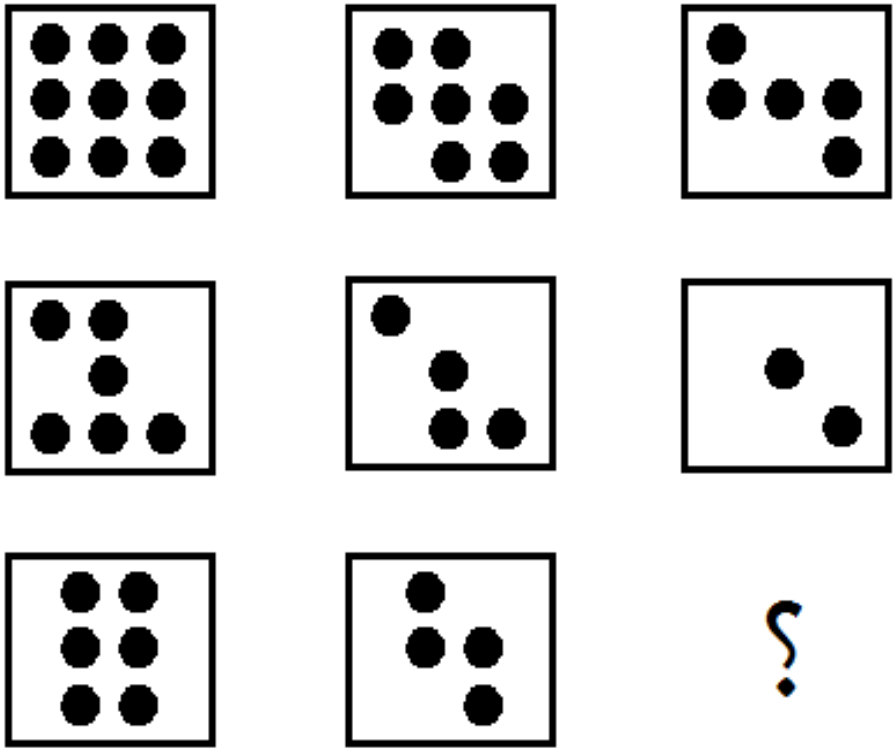
۳)



۴)

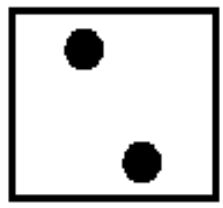


١٥)

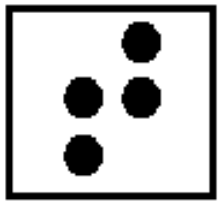


؟

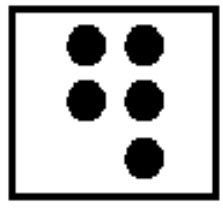
١)



٢)



٣)



٤)



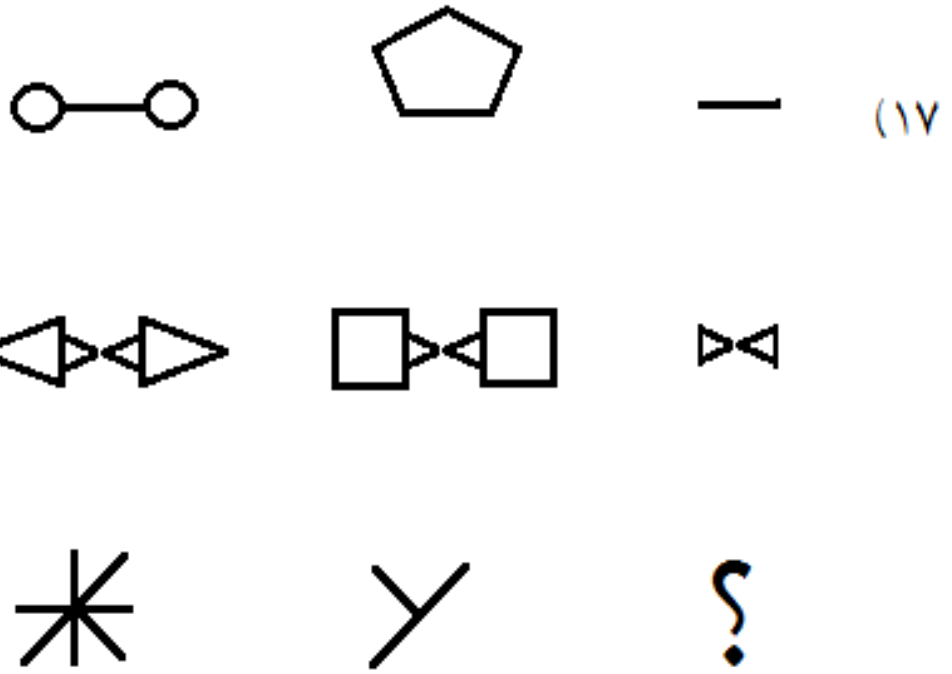
١٦)  ؟ 

١) 

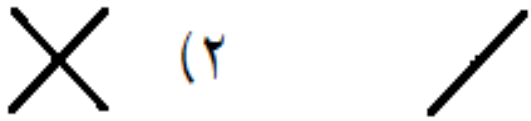
٢) 

٣) 

٤) 

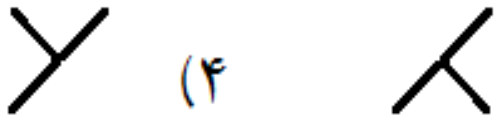


١٧)



١)

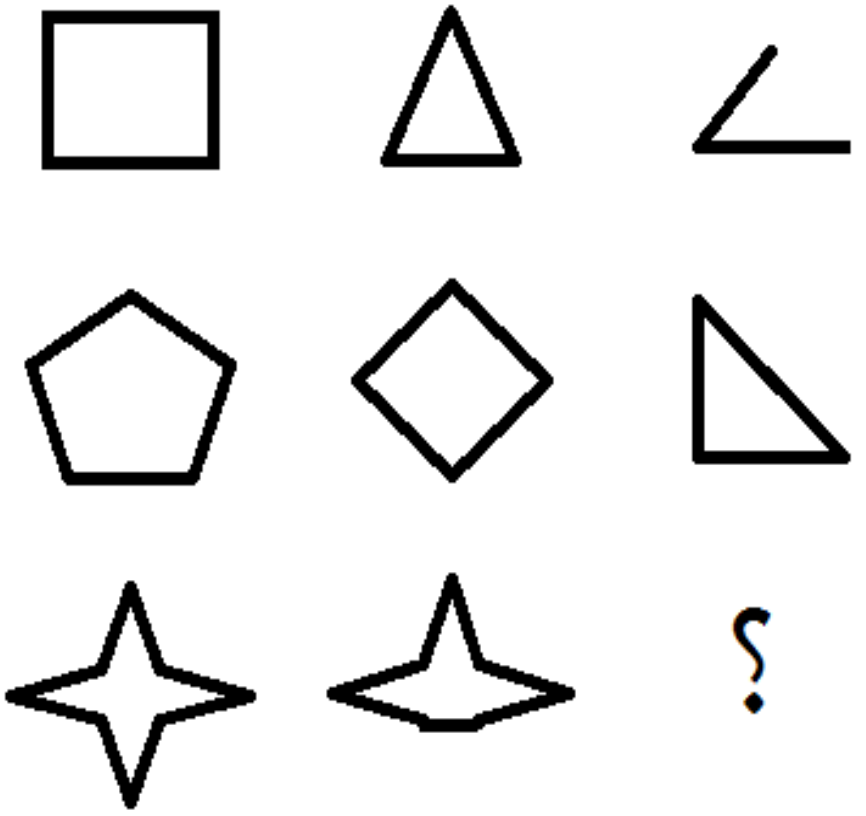
٢)



٣)

٤)

١٨)



١)



٢)



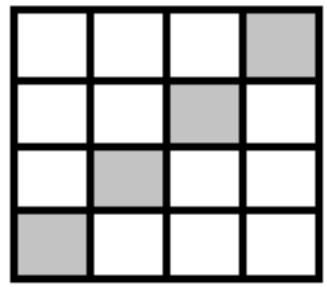
٣)

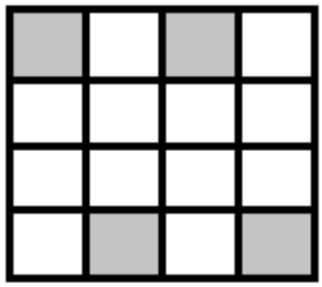


٤)

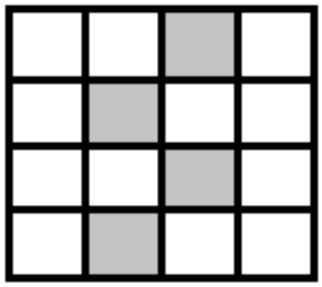


١٩)

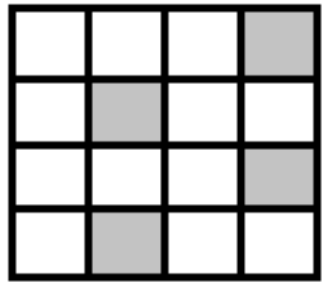




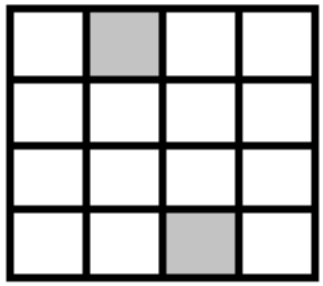
؟



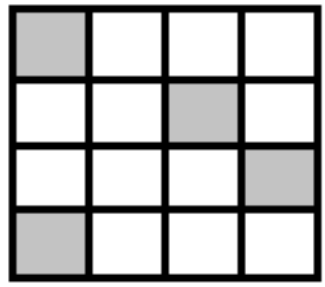
١)



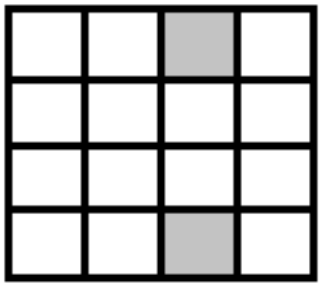
٢)



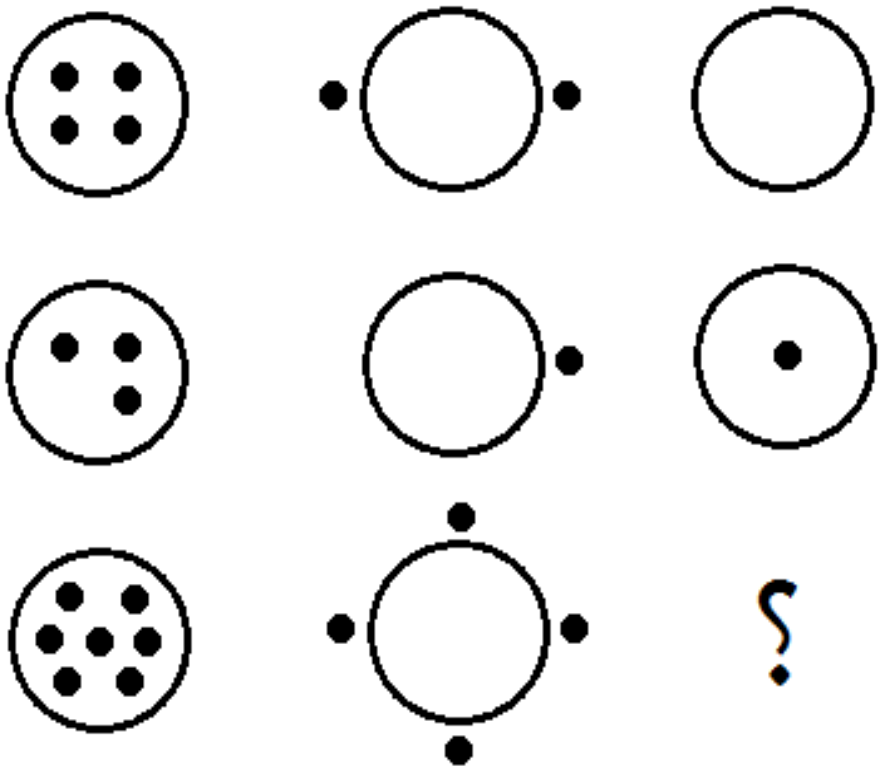
٣)



٤)



٢٠)



١)



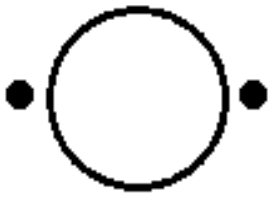
٢)



٣)



٤)



کلید تست

١) ٢	٥) ٢	٩) ٢	١٣) ٢	١٧) ١
٢) ١	٦) ٣	١٠) ٤	١٤) ٤	١٨) ١
٣) ٣	٧) ٢	١١) ٣	١٥) ٤	١٩) ٢
٤) ٤	٨) ١	١٢) ٢	١٦) ١	٢٠) ٢